

شکست "رفراندوم" اعلام نشده حزب جمهوری اسلامی

شده نشان دهنده نوا از حمایت و پشتیبانی
وسیع توده ها برخوردار است. بنا بر این
از مدتی قبل از ۱۵ خرداد دسویزه همزمان با
طرح مسئله "رفرندوم" از سوی بنی صدر
با تبلیغات بی مان و سازماندهی همه
جایه منتهای تلاش و کوشش رایگا رگرفت
تا در راهیما ثی روز ۱۵ خرداد توده های
وسعی را خیابانها بکشاند. در حقیقت
میتوان گفت که راهیما ثی ۱۵ خرداد -
"رفرندوم" اعلام شده حزب جمهوری اسلامی
در برابر طرح مسئله "رفرندوم" از سوی
بقیه در صفحه ۱۲

همزمان با تشدید بحران اقتصادی،
رشد و افزایش نا رمانی توده ها، حسرت
بایی توده های درونی هیئت حاکمه و دریک
کلام و روشنگری اعتمادی - اجتماعي و
سیاسی دولت جمهوری اسلامی را هیما ثی
۱۵ خرداد جلوه ای دیگر از ورشکستگی رژیم بود.
حزب جمهوری اسلامی که اکنون پس از
تسخیر بسیاری از اهرمهای قدرت دریک
بن بست ناتوانی قرار گرفته است و بسا
گذشت هر روز به پرتگاه سقوط اجتناب
ناپذیر نزدیکتر می گردد، در سالروز ۱۵ خرداد
تلاش بسیار بجراخ داد تا به رفیقت کسه

بر مقاله

دوتا کتیک در برخورد با انقلاب ایران

شرایط کنونی جامعه ما که عرصه
درگیریها و کشمکشها میا ان انقلاب
و ضد انقلاب از یک سو و درگیریهای درونی
اردوگاه ضد انقلاب از سوی دیگر است، -
شرایطی بسیار بحرانی و پیچیده را پدید
آورده است. در این شرایط انتخاب
سیاستهای درست و تاکتیکی یکا ملاً
انقلابی از سوی سازمانها و گروههای
انقلابی بصورت یک مسئله جدی و حیاتی
در آمده است، که با توجه به خود ویژگی
لحظه کنونی انتخاب تاکتیک محوری بسا
مرحله ای بصورت امری تعیین کننده در
انتخاب تاکتیکیهای لحظه ای در آمده است.
ما امروز در شرایطی بسر می بریم که
از یک سو توده ها می کوشند در مقابل ضد
انقلاب و یورشهای پی در پی نه تنها
از دست آوردهای انقلابی خود دفاع
کنند بلکه انقلاب را جلوسوق دهند و از -
سوی دیگر ضد انقلاب مدام در تلاش بسوده
هست تا پیست آوردهای انقلابی توده ها
را بکلی از آنها بزرساند، مدام پیروزیهای
نوبنی کسب کند، موقعیت خود را مستحکم
سازد و انقلاب را بشکست قطعی سوق دهد
بقیه در صفحه ۲

در مقابل سیاست سرکوب
و اختناق و محو کامل آزادی
مطبوعات به مقابله
پو خیزیم
صفحه ۱۸

گرامی باد سالروز انقلاب عمان

۹ ژوئن ۱۹۶۵ در تاریخ خلق عمان و همه
رحمتکشان منطقه عربی خلیج یا د آغاز
حماسه آفرین جنبشی است علیه ستم
استعماری و مظاهر خونریز سلطه ارنجایی
که اگر چه دوران اش از نظر تاریخی سر آمده
است اما جیره خواران و ایادی ستم
نشانده امپریالیسم برای غارت ثروت های
خلقهای تحت ستم در حفظ آن مذسوحانه
می کوشند. عهد جهل و فقر و مرض و سردگی
عهد سلطه، قبیلهگی و عقب ماندگیهای
فزون وسطا ثی.
آغاز و تداوم جنبش ۹ ژوئن به رهبری
جبهه خلق برای آزادی عمان همراه بود
با برآمدیک روحیه انقلابی، ستیزه جو
ضد امپریالیست علیه فساد استبداد، ستم
و استعمار سلطین و امیران و اربابان
بقیه در صفحه ۱۸

- در این شماره
- جنبش جهانی
- پاسخ به سئوالات
- ۹ خرداد ۵۸۵ چهارشنبه سیاه
- خود کفائی ضد امپریالیستی
به سیاق دولت رجائی

گرامی باد سالروز اعتصاب شکوهمند کارگران کوره پزخانه های تهران در خرداد ۱۳۳۸

۲۲ سال بیش در ۲۳ خرداد ۱۳۳۸، سی هزار
کارگر کوره پزخانه های تهران بعنوان -
اعتراض به شرایط طاقت فرسا ی کاروندگی
و برای ۲۵٪ اضافه دستمزد، تمام کوره ها
را خاموش کردند و وزنگ اعتصابی پر شکوه
را بسداد درآوردند. اعتصابی که بزرگترین
و مهمترین اعتصاب کارگری بعد از کودتای
ننگین مردد ۱۳۲۲ بود. این اعتصاب عظیم
کارفرمایان غارتگر و رژیم حاکم میا نمان
را آنچنان به وحشت انداخت که با تمام
ابزار سرکوب خویش (پلیس ساواک، -
زندان مرئی و ارتش) شبانه به کوره ها یورش
بقیه در صفحه ۳

در حاشیه
مستقیم

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلیش

دوتا کتیک در برخورد با انقلاب ایران

بقیه از صفحه ۱

افت نکرده است. کسی که اندکی شعور داشته با عدم صدا ندکد جنبش بوده ای اکنون در یک دوران رکود سیاسی بسر نمی برد و نه تنها اشکال کامل انقلابی ما رزه در خراسان - است، بلکه مدام با توجه به بحران اقتصادی و سیاسی موجود مدام ختم انداز کمتری و ارتقاء آن بیشتر می شود. کارگران سیاسی گمراه و مضمنا نه عمیا رزه ادا می میدهند، اعتصابا پارت پی درسی، درگیریهای حصاد با مدیران و انجمنهای اسلامی، دفاع از شوراها و انقلابی، مداخله فعال در امور کارخانه، کنسول تولید و دریا راه ای موارد کارخانه، علاقه آنها در پی گیری در بحث های سیاسی نمونه ها شای از وضعیت مبارزاتی کارگران است. دهقانان هنوز در بسیاری موارد زمینها شای را که بشیوه ای انقلابی صادر کرده اند در اختیار دارند. با تمام شیروا و حقوق خود دفاع میکنند، و هنوز جنبش انقلابی آنها افت نکرده است.

هنوز طبقه ای تحت ستم ایران از جمله سه خلق های کرد و ترکمن مضمنا نه از دست آورده های انقلابی خود دفاع می کنند و به اشکال بسیار عالی مبارزه دست می یازند، علی رغم یورشهای گسترده و پوی در پی کمی حزبیت به آزادیهای سیاسی و حقوق - دموکراتیک با زهم بطور قطعی توفیق نیافته است که این دست آوردها را یکی از زمین سرد، هنوز قیامهای محلی در اینجا و آنجا بوقوع می پیوندد. هنوز توده های مسلح، ندوبالآخره تضادهای درونی هیئت حاکمه، بحران دربار لائیکها و ضعف ناتوانی در مبارزه کردن امور خود با رزترین دلیل بر این امر است که ضدا انقلاب نتوانسته است سلطه پلاستیک زود خود را بر انقلاب - تا مین کند و انقلاب را بشکست قطعی سوق دهد و امروز نیز این روند همچنان در حال تداوم است. بحران اقتصادی نه تنها فروکش نکرده، بلکه واچونی بی یافتنه نتایج حاصل از این بحران بر زندگی توده ها بیش از پیش آنها را بمرصه مبارزه آشکار سوق داده و می دهد. و آنها را رودر روی رژیم قرار میدهند. خلاصه تمام شواهدی که بر شمرده ایم نشان می دهد، علی رغم اینکه با قیام توده ها قدرت دوباره به دست ضدا انقلاب افتاد، اما هنوز انقلاب با شکست قطعی روبرو نشده، تا انقلاب نیمه کاره با قیام توده است. تکمیل انقلاب چون وظیفه ای فوری در دستور روز قرار دارد و خود دویژگی شرایط پس از قیام را گشایش و درگیریهای انقلاب و ضد انقلاب تشکیل می دهد. یک چنین شرایطی بسوی صریح وظایف نیروهای انقلابی و تا کتیک محوری آنها را روشن میکند.

این شرایط که همراه با افت و خیزهای در مبارزه انقلابی بوده ها و نیکس و بیروزیهای تا کنونی بوده است، مدام نیروها و سازمانهای انقلابی را در ازبانی خود دویژگی لحظه کسوی و سرسوت انقلاب دچا سردرگمی و ابهام نموده است و منطبق با آن تا کتیکهای غالباً "منافق و ضد یکدیگر" اتخاذ کرده اند. اکنون برای - رهائی از این سردرگمی و ابهام با بیدهر سازمان انقلابی با شی صریح با سن مسئله شده که کدام تا کتیک با بدمحور تا کتیکها و فعالیتهای ما قرار داده شود و کجا موطیعه، اکنون بعموا نوظیفه ای فوری در برابر ما است: تا کتیک تعرضی با عقب نشینی و طبقه تکمیل انقلاب و یا لنتیحه راه انقلاب با راه قانونیست یورژوئی. پاسخ به سئوالات قبیل از هر چیز در گرو پاسخ به سرنوشت انقلاب ایران در لحظه کنونی و خود دویژگی لحظه کنونیست به عبارت دیگر منظور با سخکوتی به سئوالات فوق الذکر با بدبا سن سئوالات با سخ داده شود که آیا روحیه انقلابی توده ها فروکش کرده - است؟ آیا رکود سیاسی با لنتیحه طولانی بر جنبش حاکم شده است؟ آیا اشکال کامل انقلابی جنبش بطور کلی فروکش کرده است؟ آیا در آینده ای نزدیک نمیتوان شا هدخیزش نوین و اشکال کامل انقلابی جنبش توده ها بود؟ آیا تمام مبارزات - انقلابی توده ها با شکست روبرو شده است؟ آیا دست آورده های انقلابی مرحله پیشین جنبش توده ها با زین گرفته شده و با لآخره آیا ضدا انقلاب بطور قطعی و متمرکز مستقر شده است و انقلاب با شکست قطعی روبرو شده است؟ و یا با لعکس نه تنها روحیه انقلابی توده ها فروکش نکرده است، نه تنها از رکود سیاسی با لنتیحه طولانی نمی توان سخن میمان آورد بلکه اشکال کامل انقلابی جنبش، و احیا، نوین در جنبش انقلابی توده ای و اشکال مبارزه عالی تر در چشم انداز قرار دارد و با بیدر کودهای موقتی و کوتاه مدت را در پیرو جنبش انقلابی توده ای توقف ای کوتاه و اجتناب بنا پذیرد و روبرو شد مبارزات اعتراضی و آشکارا انقلابی توده ها با بحساب آورد، نه تنها تمام مبارزات انقلابی، اعتراضات و قیامها پیونده ای با شکست روبرو نشده که هنوز در جریان است نه تنها دست آورده های انقلابی مرحله پیشین جنبش بطور کلی مورد یورش و دستمردهای ضد انقلاب قرار نگرفته است که هنوز بخشی از آنها در دست توده ها است، نه تنها ضد انقلاب بطور قطعی، متمرکز و همه جا نبیه مستقر نشده، بلکه برانگنده و ناتوان است. و خلاصه نه تنها انقلاب با شکست قطعی روبرو نشده، بلکه در جریان است و وظیفه تکمیل آن بعموان وظیفه ای فوری در دستور قرار دارد.

برکمی پوشیده نیست که طی نزدیک به دوسالوا ندی پس از قیام علی رغم تلاشهای ضدا انقلابی حاکمیت و سرکوب توده های مردم، هنوز جوش و خروش انقلابی برجایش حاکم است، و روحیه انقلابی توده ها در مجموع

رسا در هر انقلاب نیمه کاره و طاقی - سروهای انقلابی و تا کتیک آنها، تکمیل انقلاب و تعرضی است. این تجربه ای است که انقلابهای نیمه کاره و نیمه انقلابی ۱۸۴۸ و انقلاب دموکراتیک ۱۹۰۵ - روسیه ما می آموزد و ما بگداران کبر سوسا لیم علمی را با حمید می نمود، نه یک چنین شرایطی حکم میکند که با بیدر راه سوو دادن انقلاب بطور کامل برداشته، با بدسرها و انقلابی، شعرا روبرو هاست، شعرا خود محاری، شعرا معاومت در برابر طبع صلاح توده ها، شعرا رها و انقلابی جنبش دهقا سوو... را بی گسرا نه طرح کرد و پیش برد. نه تنها توده ها را بیعفا و مت در برابر طبع صلاح عوت کرد، بلکه با بیدر هر کار به تسلیح توده ها و آموزش نظامی آنها همت گماشت. با بیدر جهت تقویت روحیه انقلابی توده ها با برداشت و از اینک با اینجا و آنجا و با دزمرحله ای کونشاه در مبارزات توده ها رکودی حاصل می شود، آیه های سر نداد. با بیدر مسری می بشیر داشت که راه را برای جنبشهای خود انگخته اعتراضی توده ها هر چه گسترده تر هموار کند، با بدتسلیح سراسری و همه جا نبه ای - را از زمان داد و هر لحظه و همه جاد در مبارزات توده ها حضور داشت. در جهت - ارتقاء این مبارزات تلاش نمود. این راه اندا و م انقلاب، راه تکمیل آن و راه تا مین گنا فح، خواستها و آرمانهای - توده هاست تا کتیک ماکه هما با از خود یورگی اوضاع کنونی و سرنوشت انقلاب تا شنی می شود، تا کتیک تعرضی است. این تعرض با بد خود را در همه عرصه ها از حضور سیاسی فعال، بحران اعلامیه، موضع گیریهای صریح و راه طلبی عملی برای اشکال جنبش تا طرح شعارها و انقلابی و تدارک و اجرای اشکال کامل انقلابی مبارزه و جنبش نشان دهد. اما با بیدر نظرداشت هنگامیکه از تا کتیک تعرضی سخن می گوئیم بدین معنایست که در اتخاذ تا کتیکهای لحظه ای خود ملاحظات متعدد را در نظر گرفت، به روحیات توده ها، توازن قوای طبقاتی و موقعیت طبقات مسلط و تا کتیکهای آنها در لحظه مفروض توجه نداشت، بلکه مراد اینست که با بدتاما تا کتیکهای لحظه ای، عقب نشینی و تعرض لحظه ای، تا کتیکهای بیظا هر قانونی در خدمت این تا کتیک - محوری باشد. تا زمانیکه معتقدیم ضدا شده ایم که انقلاب با شکست قطعی روبرو شده است این تا کتیک و تدارک لازم برای اشکال مبارزه کامل انقلابی توده ها و طرح شعارها و انقلابی نه تنها اصولی است، بلکه ضروری و احیاری است.

اما در جنبش انقلابی ایران، گروهها و افرادی نظیر راهکارگر بافت می شوند که در یک کلاف بیجیده تناقضات و ابهامات بسر می برند. از شکست انقلاب سخن می - رانند، اما خواسته با تا خواسته تا کتیکهای تعرضی را پیش می گیرند. از شکست انقلاب سخن می گویند، اما از مبارزه مسلحانه برحق و عادلانه خلقهای ایران سخن می - بقیه در صفحه ۱۷

استقلال - کار - مسکن - آزادی



اضافه نکردن حداقل دستمزد کارگران افزایش سود سرمایه داران است

گرومی باد سالروز اعتصاب شکوهمند کارگران کوره پزخانه های تهران در خرداد ۱۳۳۸

بقیه از صفحه ۱

برندند و در خیابان کارگران تهران کوه -
پزخانه ها زنان و فرزندان نشان را به رگبار
کلوله بستند و بیش از ۵۰ نفر از کارگران را
به شهادت رسانده و دهها نفر را زخمی و باز
داشت کردند.

این اعتصاب از پشتیبانی کارگران و
زحمتکشان و دانشجویان مبارز برخوردار
بود و فعلا این جنبش کارگری آنزمان از
جمله رفیق شهید محمد چوپا زناده (اوس
صمد) تا آنجا که در تونل داشتند در سازمان -
دهی اعتصاب کوشیدند. رفیق در جریان
اعتصاب بهنگام پورش پلیس با زداشت
و مدت دو سال در زندان قزل قلعه بسربرد.
اگر کارگران و زحمتکشان در رژیم شاه
و حسیانه سرکوب میشدند اکنون رژیم
جمهوری اسلامی نیز در پی حفظ منافع
سرمایه داران با سختی سرکوب می
خواسته های کارگران و توده های زحمتکش
نمیدهد. سرکوب اعتصاب کارگران -
کوره پزخانه های خاتون آباد تهران
و قرچک ورامین برای اضافه دستمزد بر
مبنای افزایش هزینه های زندگی در ۱۷
اردیبهشت و مقابل با اعتصاب کارگران
کوره پزخانه های بیروجر در ۱۰ خرداد
دستمزد و بهبود شرایط کار در ۱۹ اردیبهشت
و همچنین تقابل با اعتصاب کارگران -
کوره پزخانه های هیدان برای افزایش
دستمزد در خرداد ماه امسال (۶۰ سال) آخرین
نمونه هایی با سر رژیم جمهوری اسلامی است.
رژیم جمهوری اسلامی که هر روز بیشتر از روز
پیش از این سنگوشتی به نیا زهای اولی
کارگران و زحمتکشان عاجز و ناتوان -
میگرداند لذا بنا به ماهیت نظام سرمایه -
داری هر چه بیشتر به سرکوب روی می آورد.
اما تا ریخ میا رزات کارگران و خلقهای
جهان نشان میدهد و اعتصاب کارگران
کوره پزخانه ها نیز تا کیدی است بر آنکه
سرکوب، شرور و اختناق هرگز نخواهد
توانست سد راه مبارزات حق طلبانه
کارگران و توده های زحمتکش گردد. کارگران
منهین ما با درس آموزی از تها رب گرانهای
جنبش کارگری - کمونیستی ایران و -
جهان هر روز تجربه بیشتری ندوخته و
پیگیرانه برای ایجاد تشکیلات انقلابی و
آهنین خویش، آنچنان تشکیلاتی که بتواند
رهبری مبارزات توده ها را در دست بگیرد
و آنرا به پیروزی رساند به پیش میروند.
با درس آموزی از مبارزات شکوهمند
کارگران کوره پزخانه ها، خا طره اعتصاب
دلیرانه آنها و یادشدهای قهرمان کوره -
پزخانه ها را اگر گامی برداریم

خیل عظیمی از بیکاران در جامعه حضور
دارند، و از آنجا که این حق سرمایه داران
است که در دولتها سرمایه داران میزبان
بود خود بیافزایند! کارگران با باید
به دستمزد کمتر قانع نباشند بیچار
بمانند. آیا بهتر از این میشود از منافع
سرمایه داران دفاع کرد؟ دستمزد هست
باید کمتر از میزان واقعی آن باشد، چرا
که در غیر این صورت کارفرما با توجه به
نیروی کارآسان و موجود در جامعه میتواند
در کارگران را اخراج کند و از دست دولت
هم کاری بر نمی آید! بدین ترتیب
او ادعا میکند که دولتها سرمایه داران
همواره وظیفه ای بجز دفاع از منافع سرمایه -
داران بهر شکل و تحت هر پوششی ندارند.
"مهمان نجی" این عامل سرمایه داران
در جای دیگر از سخنان خود میگوید که
ثابت ماندن دستمزدها "ضمن کاهش
تورم هم از مهاجرت روستا ثبها جلوگیری
میکند. در اینجا ما وارد این بحث
که ثابت ماندن دستمزدها، اصولا "چه
تا شیری در کاهش تورم دارد، نمی شویم،
اما در حالیکه تنها در سال گذشته معهودی
از تاجر گردن کلفت با حمایت حزب جمهوری
اسلامی با احتکار و گران کردن کالاها و ...
۱۲۰۰ میلیارد تومان از دسترنج
زحمتکشان غارت کرده اند، رژیم جمهوری
اسلامی قصد دارد با کاهش دستمزد نا چیز
کارگران جانی تورم را بگیرد. آیا آشکارتر
از این میشود ما هیت ضد کارگری خود را رو
کرد؟ از سوی دیگر رژیم جمهوری اسلامی
که نخواسته و نتوانسته به هیچیک از
خواسته های روستا ثیان پاسخ داده و بهبود
در وضعیت آنها ایجاد نماید، میکوشد
با کاهش دستمزد میلیونها تن کارگران
میهنمان و به بهای فقر و گرسنگی آنها،
با اصطلاح از مهاجرت روستا ثیان جلوگیری
کند. چنین است عملکرد رژیم که با تضاد
شب در دستگا ههای تبلیغاتی از اصطلاح
"مستضعفین" دم میزند! و در عمل از منافع
سرمایه داران حمایت میکند.
و در جای دیگر میگوید "مبلغی معادل
۲۰ تا ۶۰ ریال هم با مشورت کمیته ای -
مشکل از شما بنده کارگریا شورای اسلامی
سرپرست کارگاه و کارفرما به حقوق روزانه
کارگر اضافه میشود. منظور از این قسمت
تشویق کارگران و افزایش تولید
تفاوت گذاشتن بین مهارتها و کیفیتها
است." (همانجا) و با لاف "معمد رضای
یکی دیگر از معاونین وزارت "سرمایه
نسبت اصلی قانونگذاران را آشکارتر
ساخته و میگوید این مبلغ "بر اساس
شایستگی و لیاقت به دستمزد کارگران -
بقیه در صفحه ۱۶

هر روز که میگذرد ما هیت ضد انقلابی
رژیم جمهوری اسلامی بیش از پیش آشکار
میشود. صدور آئین نامه ها، تصویب
قوانین ضد کارگری و سرکوب کارگران -
برای محدود کردن یا پامال نمودن
حقوق ابتدائی آنها، اکنون و سیما " از
سوی رژیم جمهوری اسلامی بکار گرفته شده
است. در پی لاف و نون سودویژه و سیما
کاهش بخشی از دستمزد نا چیز کارگران،
اخیرا رژیم سیاست خویش را در مورد دستمزدها
در سال جاری نیز ایوم نمود. سه تن از -
معاونین وزارت کار در توضیح این سیاست
طی مباحثه ای اعلام داشتند که "حداقل
دستمزد و پیا به دستمزد کارگران بهمان
میزان سال گذشته ثابت مانده، مقدار
۴ تومان بعد از یکسال بعنوان پایه
یا سنوات به دستمزد کارگران اضافه شده
و با لاف مبلغ ۲۰ تا ۶۰ ریال بر اساس
ضوابطی به کارگران تعلق میگیرد.
بدین ترتیب در حالیکه تورم کم بود
بباید کم کند، و در حالیکه کارگران هر
روز بیشتر با فقر و گرسنگی مواجهند و
با لاف در حالیکه به قیمت کالاها نسبت
به سال گذشته چندین برابر اضافه
شده است، حداقل دستمزد کارگران هم
چنان بمیزان ۶۳۵ ریال ثابت مانده
است. آیا این بجز کاهش قدرت خرید
کارگران و یا کم شدن دستمزد واقعی آنان
چیز دیگری است؟ در شرایطی که
سرمایه داران با احتکار و گران کردن
کالاها سودهای کلانی به جیب میزنند،
سهمنا چیز کارگران از تولید یعنی
دستمزدشان با یکدکاهش یافته، و بسیار
کمتر از میزان واقعی آن باشد. این
اقدام گام دیگری است در پامال نمودن
حقوق حق کارگران، گام دیگری در
انتقال اثرات بحران عظیم اقتصادی
بر دوش کارگران و خلاصه گام دیگری
در افزایش استثمار کارگران و افزایش
سود سرمایه داران.
اما ببینیم عوامل رژیم در توجیه
این سیاست ضد کارگری خویش به چه بهانه
هایی متوسل شده اند. "مهمان نجی معاون
وزارت کار سرمایه داران میگوید که
"شورای عالی کار سیاست گذاشتن کار
درآمد کمتر بهتر از گذاشتن کار است در
نظر داشته است" (جمهوری اسلامی پنجم
خرداد) و در جای دیگر میافزاید "اگر ما
بخواهیم قیمت کالاها را ثابت نگهداریم
و دستمزدها را افزایش دهیم منجر به
این خواهد شد که کارفرما نیروی کار خود
را کاهش داده و کارگران را اخراج کند."
(همانجا) (به زنان دیکرو میگوید در
شرایطی که به برکت نظام سرمایه داری

افزایش دستمزدها، قطع اضافه کاری، استخدام بیکاران

اوباشان رژیم جمهوری اسلامی مجمع عمومی تفنگران جنگزده شیراز را بخون کشیدند

رژیمی که در حرف ادعا می‌کند "کاسه ۳۵ - ملسونی" دارد اما در عمل مجمع عمومی تفنگران حکم زده سزار را خون می‌کشد اما جالب است بدانید که در حین حمله اوباشان نه مجمع کارگران و فنی‌کارگری موفق می‌شود در درگیری‌های خونی یک حزب اللهی را بر سر راه خود بگیرد و با سلاح‌های خود در حمله شرکت کند بلکه در حمله شرکت می‌کند و می‌گوید: "اکبر دست‌ها و ابروی مغزت را دادا غون می‌کنم" و بدین ترتیب یکبار دیگر مشخص می‌شود که سازمانده و حامی واقعی زنجیر کارکنان و فتنه بدستان حزب اللهی کیست! و یکبار دیگر آشکارا می‌شود که راز و اباش حزب اللهی با قووزنجیر و پنجه سوکس حمله می‌کنند، با سزاران حمایت می‌نمایند و سزاران رژیم جمهوری اسلامی بر تانک‌ها ریز می‌کنند تا نظام سرمایه‌داری یا برجا ماند.

اکنون کارگران پیتر و شوراهای انقلابی که راجات موظفند به حمایت از شورای کارکنان جنگ زده صنعت نفت سزاران و سزاران را برای احیای مجدد آن آزاد می‌کنند و کارگران دستگیر شده با تمام توان خود بکوشند. اگر در جهت اشخاص ذرجه، به سزاران یکدیگر تلاش نکنیم، این چنین وضعیتی در انتظار شما شوراهای واقعی دیگر نیز می‌باشد. پس با کام‌های سنجیده به پیش!

روز چهارشنبه ۶۰/۲/۶ حدود ۴۰۰ نفر از افراد حزب اللهی در حمایت با سزاران با قووزنجیر و پنجه سوکس به مجمع عمومی کارکنان جنگ زده صنعت نفت در شیراز و حشیا نه حمله کردند. اوباشان حزب اللهی پس از اینکه بشدت کارگران را مورد ضرب و جرح قرار میدهند ۳۰ نفر از نمایندگان و ۴۰ کارگر توسط پاسداران دستگیر و روانه زندان می‌گردند.

رژیم جمهوری اسلامی که بنا بر ماهیت ضد کارگری از وجود شوراهای انقلابی و حشیا مرگ دارد با تمام قوا به ما بودی این شوراها برخاسته است، و برخلاف فریادها شیکه در حمایت از "مستضعفین" سر میدهد، در عمل نه تنها حامی آنها نیست بلکه میکوشد تا هر گونه حرکت حق طلبانه کارگران را نیز در نطفه خفه نماید. این رژیم هم‌طور که در کارخانه‌ها مبارزات شوراهای انقلابی برای دریافت خواسته‌های برحق کارگران را سرکوب می‌کند، در مناطق آواره نشین نیز جهت نابودی شوراهای که در مدتهاست برای بهداشت، مسکن و نان برای آوارگان می‌باشند از هیچ کوششی دریغ نمی‌ورزد. یورش و حشیا نه به مجمع عمومی تفنگران جنگ زده مستقر در شیراز نمونه‌ای دیگر است برای افشای چهره این رژیم با صلاحات مستضعفین "رژیمی که بنا به ماهیتش نمی‌تواند تشکل شده‌ها را شوراهای انقلابی برای حاکمیت بر سرش خویش را بیدارد."



از میان نامه‌های

کارگران

● نامه یک کارگر از زندان

در پی اعصاب و اعراضاتی که در سال پیش بخاطر سودویزه و ساعت کار و انحراف خورا صورت گرفته بود و همچنین در اثر ناراضی‌های مندی که همچنان سینه کارگران در جریان بود، شورای فرما بی‌کارخانه دست در دست مدیریت و با کمک سپاه و دادستانی انقلاب (فدا عملات) دست به ساساتی و تعقیب و تعقیب عقاید و غیره زدند و به کمک کاسه لیسان بی‌حسره و مواجسان (حزب توده حاشی) تعدادی از کارکنان مبارزان را ساساتی کردند. در این رابطه روز... فروردین ساعت ۱۰... بعد از ظهر چهار نفر از کمیته که مسلح به کلت بودند مرا از کارخانه با حکم دادستانی دستگیر و سه‌دها هتکی بردند. آنها اجازه ندادند که به خانواده‌ها اطلاع دهیم. وقتی وارد کمیته شدم یکی از اعضای مزدور - شورای کارخانه را دیدم که در حیات کمیته اسناده بود، با او گفتم: "پس شما گفتید مرا دستگیر کنید". او شوکه شد و گفت: "نه، حدود... روز در اتاق ساریک و کشف زندانی شدم که هر شب و هر روز بعد از آن به خاطر معنای بدون و یا دزدی و غیره به آنجا می‌آوردند. در طول این مدت دوبار از من بازجویی کردند. یکبار یکی از سزاران ساساتی بود که کارش ساساتی عا صرمبارزو انقلابی داخل کارخانجات است و یار دیگر رئیس آنها. محکومیت من از قول بازجو راه انداختن اعتبار، تحریک کارگران و پیش‌اعلامیه و غیره بود. مدارکی که از من داشتند شهادت یک نفر بوده‌ای خاص بود و همچنین شهادت تعدادی از افراد - انجمن اسلامی و شورا و مزدوران دیگر. من در بازجویی زیر بار هیچ چیز نرفتم و هیچ‌کدام از این اتهامات را قبول نکردم. با ردوم بازجویی بیشتر سئوالاتی بود در مورد وضع خانواده‌ام. در طول این مدت یکبار اجازه حمام رفتن دادند و روزنامه نیز من سمیدادند و یخ طرایس که هر روز - خانواده‌ام به کمیته می‌آمدند مجبور شدند اجازه ملاقات بدهند. البته بعد از چند روز بعد از چندین روز مرا با شهادت‌های ساسات - صلح به دادستانی انقلاب تحویل دادند و چند روز هم در زندان دادستانی در بند انفرادی زندانی شدم. نه‌اجازه ملاقات داشتم، نه‌بمن روزنامه میدادند و نه‌مرا بیرون می‌بردند. بعضی روزها سه نوبت و کارهای دولتی جهت رفتن به توالیت مرا از سلول بیرون می‌بردند. دوسه روز نیز یکی از زندانسانان صبح روز مرا برای - صحا نه از زندان بیرون برد که هر بار ۱۵ دقیقه طول کشید. بعد از چند روز به زندان عمومی منتقل شدم و حدود ۱۴ روز است در بخش عمومی زندانی هستم و هنوز دادگاهی نشده‌ام..."

فرمانداری لنگرود، متحد محتکران، علیه نوغانداران

دهقانان زحمتکش به محض اطلاع از این حران روز دوشنبه بیست و یک اردیبهشت با جمعی قریب به دوهزار نفر، متشکل و مصمم تمام انقلابی خود را با حضور یکبارجه در فرمانداری لنگرود بینهایش می‌گذاشتند و خواهان دستگیری و محاربات مسئولین امر می‌شوند و فرمائندها را تهدید می‌کنند که در صورت عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان، فرمانداری را به آتش خواهند کشید. فرماندار ترسان از این احاد و همیسنکی ممن عقب نشینی در مقابل خواسته‌های دهقانان محبوره دستگیری دو نفر از مسئولین اداره می‌کرد. بحره فوی به دهقانان لنگرود آموخت که دولت خود سزگترین عامل کرائی و احکامات و همچنین این حقیقت را با ردیکر اسات کرده‌تنها احساساد زحمتکشان و عمل مستقیم آنان ضامن پیروزی آنهاست.

در این رابطه داران سازمان در دوسر اعلامیه‌ای مسر کرده در آن ضمن درج - مطالب فوق از مبارزات دهقانان لنگرود پیشنمایی کرده و خواهان را احادشوراهای انقلابی ندانند.

حرکت یکبارجه دهقانان نوغاندار لنگرود (برورش دهندگان کرم بریشم) در اعتراض به سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی به پیروزی رسید.

برورش کرم ابریشمیکی از مناسبت تولیدکشا و رزی کیلان است که بخشی از دهقانان زحمتکش کیلان هر ساله در کنار دیگر فعالیتهای کشا و رزی به آن مشغولند در رژیم قبلی توزیع تخم نوغان از طرف دولت بین دهقانان همواره بشکل سی تا عا دلانه صورت میگرفت. سال گذشته قیمت دولتی تخم نوغان جمعی‌ای ۶۵۰ ریال بود که امسال به ۲۵۰ ریال افزایش یافت. امسال نیز طبق معمول هر ساله، نوغانداران لنگرود منتظر توزیع تخم نوغان می‌شوند ولی از توزیع خبری نمی‌شود و وقتی به اداره نوغان لنگرود مراجعه می‌کنند از طرف مسئولان اداره به آنان گفته می‌شود که بعلت فاسد شدن تخمها، دهقانان باید مدتی صبر کنند. ولی پس از مدتی دهقانان متوجه می‌شوند که تخم‌های به اصطلاح فاسد شده در بازار سیاه به بهای جمعی‌ای ۱۵۰۰ ریال بفروش می‌رسند و حتی تا ۴۰۰۰ ریال هم رسیده است.

لندن

راهپیمائی بیکاران و بحران روز افزون امپریالیستی

بیکارانی که روز اول ماه مه به شانۀ اعتراضی به سیاست های اقتصاد دولتی تا چروخموما "مسأله بیکاری و بزه ترازی" را هیمائی خود را از لیورپول آغاز کرده بودند بعد از یکماه به لندن رسیدند. این راهپیمائی با استقبال بیش از ۳۰۰ هزار تن از کارگران و زحمتکشان ساکن لندن و اعلام همبستگی راهپیمایان با کارگران مهاجریان یافت. اعلام همبستگی با کارگران مذکور، از این رو حا شانه میت است که دولت انگلیس منحوا نه میکوشد برای باطل جعل بحران اقتصادی و مقابله با اعتراضات زکری با وضع قوانین نژادپرستانه ای جهت اخراج مهاجرین میان کارگران بومی و غیربومی که سالهاست در کناری یکدیگر توسط

سرما به داران استعمار میشوند تفرقه ایجاد کنند. در حالیکه کارگران انگلیسی می دانند که پدیده بیکاری نه خاص این یا آن کشور بلکه زائیده نظام سرمایه داری است و تنها با نابودی این نظام و جایگزینی آن با نظام سوسیالیستی و پیشبرد اقتصاد دیرینه مریزی شده در جهت منافع همه کارگران و زحمتکشان بیکاری نیز ریشه کن می شود. اما رمنتشر شده از سوی سازمان همکاران اقتصاد و توسعه نشان میدهد که چگونه در دوران بعد از جنگ نرخ بیکاری در کشورهای امپریالیستی و سرما به داری سیر صعودی داشته است به جدول زیر توجه کنید:

	۵۹-۶۰	۶۹-۷۰	۷۴-۷۵	۷۹	۱۹۸۰	۱۹۸۱
آمریکا	۴/۳	۴/۶	۵/۲	۶/۶	۷/۷	۸
ژاپن	۲	۱/۳	۱/۳	۲	۲/۱	۲
آلمان غربی	۵	۸/۱۰	۱	۳/۵	۳/۲	۴/۲
فرانسه	۱/۸	۱/۵	۲/۶	۵/۱	۵/۹	۶/۳
انگلیس	۱/۲	۲	۳/۴	۵/۸	۵/۸	۷/۴
ایتالیا	۷/۴	۵/۱	۵/۷	۶/۹	۷/۵	۸/۴
کانادا	۴/۱	۵/۱	۵/۷	۷/۵	۷/۵	۸/۱۱
حداوسط	۳/۷	۲/۹	۳/۶	۵/۴	۵/۹	۶/۶

ارقام فوق درصد کل نیروی کار در کشورها مذکور است

جنبش جهانی

کارگری - رهانی بخش



فلسطین اشغالی

اعتصاب معلمان و پیشه وران

۲۹ اردیبهشت - ۶ هزار آموزگار فلسطینی با ردیگر در اعتراض به عدم افزایش حقوق خویش دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب که با حمایت تقریباً یک میلیون و دویست هزار دانش آموز فلسطینی مدارس ابتدائی و متوسطه کرانه غربی رود اردن روبرو شد موجب تعطیل سیستم آموزشی در سرزمینهای اشغالی گردید.

دوماه پیش نیز اعتصابات مشابهی در فلسطین اشغالی روی داد که بعد از آنکه منجر به استعفای وزیر آموزش و پرورش رژیم صهیونیست شد و وعده رسیدگی از سوی دولت موقتاً پایان داده شد.

دولت اسرائیل که با بحران بیکاری و تورم بیسابقه ای روبروست به بهانه آنکه پذیرش خواسته های معلمان ممکن است موجب برانگیختن خواسته های مشابه در مشاغل دیگر شود در مقابل آنها مقاومت میکند حداقل حقوق ماهانه معلمان فلسطینی ۲۵۰ دلار در ماه است که نسبت به سطح هزینه زندگی در جامعه بحران زده و زیر سلطه صهیونیستها بسیار ناچیز است. آموزگاران خواستار افزایش حداقل ۷/۵ درصد به حقوق خویش میباشند.

از سوی دیگر رژیم صهیونیستی میكوشد با افزایش مالیاتهای گوناگون بر درآمد زحمتکشان فلسطینی تا حدودی بر بحران اقتصادی جامعه فائق آید، این امر موجب اعتراضات مختلف بوده ای را برانگیخته است. از جمله هفته گذشته پیشه وران فلسطینی ساکن منطقه شرقی "قدس" علیرغم تهدیدات دستگاه حکومت نظامی صهیونیستی در اعتراض به وضع مالیاتهای جدیدی مفازه های خود را تعطیل نموده خواستار لغو آنها شدند.

افریقای جنوبی

اعتصاب کارگران

هفته پیش ۲۴۰۰ تن از کارگران چند کارخانه ماشین سازی از جمله لیلاند مونتهزه در اعتراض به پایین بودن سطح دستمزد و شرایط طاقت فرسای کار دست به اعتصاب زدند.

پلیس نژادپرست آفریقای جنوبی در حمله به صفوف متحدان اعتصاب کنندگان - مذکور یک کارگر را کشته و چندین دیگر را مجروح نمود با اینحال نتوانست کارگران را وادار به عقب نشینی نماید. دولت نژادپرست دست نشان داده امپریالیستها در آفریقای جنوبی علاوه بر سرکوب خشن، اخیراً "بخاطر آنکه نمی تواند بر اتحاد دیکتاتورانه کارگران فائق آید برای مقابله با حرکت های کارگری و نیز جهت

مقابله با بحران اقتصادی موجود دست به اخراج های دسته جمعی کارگران میزند. از جمله تنها در کارخانه نجات فاید استون بیش از ۱۰۰۰ کارگر اخراج و تعلیق نموده است. در سال گذشته بیش از ۲۰۷ - اعتصاب یا شرکت مجموعاً ۱۰۰۰۰ کارگر انجام شده طبق یک آمار رسمی زیسان ناشی از این حرکات کارگری بر مافوق سود امپریالیستی بالغ بر ۱۵۵ هزار روز کار بود.

جنبش کارگری در آفریقای جنوبی برغم گسترش کمی بدلیل شرایط اختناق و سرکوب رژیم نژادپرست و وجود نیروی عظیم کارآرزان بعنوان اردوی ذخیره کار و نیز فقدان رهبری انقلابی نیرومند، از سازمان یابندگی لازم برخوردار نیست. به همین جهت از نظر کیفی دارای سطح نازلی است. با اینهمه جنبش مذکور پیوند نزدیکی با جنبش رهانی بخش فدائیلیستی و ضد تبعیض نژادی در آفریقای جنوبی دارد.

مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای رهانی بخش

سراسر جهان



پاسخ به سئوالات

درباره

«نامه سرگشاده به مجلس»

نداشته و ندادند که بورژوازی و سرمایه‌داران و فئودال‌ها و هرگز حقوق حقه نبوده‌های زحمتکش را برسمیت نمی‌شناسند و از توطئه‌گری و سرکوب نیروهای انقلابی دست برندارند. مگر بر فشار نیروی انقلابی نبوده‌ها. بنا بر این سیاست ما همواره در قبال چنین حکومتی صریح و روشن است و هیچگونه انتظار برای آن نداریم. حال اگر تا کتیک‌هایی از قبیل «نامه سرگشاده» را مورد استفاده قرار می‌دهیم، نه بخاطر توهم نسبت به حکومت و دولت بلکه برپایه ذهنیت توده‌ها و متناسب با تاکتیک‌هایی است که رژیم متفلسف برای سرکوب و ایزوله کردن نیروهای انقلابی بکار می‌گیرد.

مثلاً «و قتیکه رژیم برای منفرد کردن نیروهای انقلابی دست به تبلیغات عوام‌فریبانه می‌زند و یکم سوال خائنین خود را ظرف آزادادی‌ها می‌زند و صبح تا شب جار می‌زند که همه گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی می‌توانند در تحت آزاد شرکت کنند و هر حرفی دارند بزنند، آیا ما در چنین شرایطی می‌توانیم در پاسخ به این عوام‌فریبی‌ها صراحت و صادقانه بگوئیم: چون شما ضد انقلابی هستید، پس ما با شما حرفی نداریم؟! یا با بدمتاسفانه با زمینه‌پذیرش افکار عمومی (که لااقل در رابطه با همین تبلیغات دچار توهم شده) بی‌اساس بودن ادعاها و بلاخره ضد انقلابی بودن رژیم را نشان داد؟ (بدین معنی که بگوئیم آری ما از مناظره و تحت‌آزاد استقبال نمی‌کنیم بشرطیکه بر مسائل روزمره مردم با شد، بشرطیکه بی‌سانسور پیش‌شود و... ولی میدانیم که رژیم نمی‌پذیرد و تنها در این صورت است که توسته‌ایم تا کتیک تبلیغاتی رژیم را خنثی کرده و اثر علیه خودش بگذرانیم.) و آیا اینکه به حکومت امکان ما نوردیم و خود را ایزوله نمائیم.

بهر تقدیر ما نسبت به هیچکدام از ارگان‌های دولتی (و از جمله مجلس) دچار توهم نیستیم و عمیقاً اعتقاد داریم که کلیه این نهادها نهادها هستند ضد انقلابی و علیه انقلاب و توده‌ها. مورد خطاب قرار دادن نمایندگان مجلس هم صرفاً بخاطر ربط مسئله بدانها بوده است، نه چیزی دیگر. اما می‌پذیریم که تا مسه در این باره دارای آرائی آنچنان ضعیفیت کسه می‌تواند ببرد است و تصورات گوناگونی را پدید آورد.

۲ - رفقای مطرح کرده‌اند: «آنجا که در باره جنگ عادلانه خلق کرد گفته‌اند که این سازمانها و گروه‌ها نیستند که می‌جنگند بلکه توده‌ها از زحمتکش خلق کرد آنده که از خانه و کارخانه خود دفاع می‌کنند» این تصور را بوجد می‌آورد که نمیخواهید بیسبب پذیرید و یا اصلاً قبول ندارید که در کردستان علیه رژیم در حال جنگید؟! اگر چه حضور فعال ما در جنبه‌های جنگ مقاومت (دو شاخه خلق کرد) خود گواه بار رژیم اعتقاد را سخما به عادلانه

سازمان انتشار نامه سرگشاده به نمایندگان مجلس سئوالات و انتقادات بسیاری (چه از طرف رفقای تشکیلات و چه از طرف هواداران) بر ما وارد شده است. به همین خاطر ستون پاسخ به سئوالات این شماره را به توضیح انتقادات شما در این باره اختصاص می‌دهیم.

پیش از آنکه به نقادان و انتقادات شما به بیرودانیم، توضیح می‌دهیم که هدف ما از نوشتن چنین نامه‌ای چه بود و چه عبارتی چرا چنین تاکتیکی اتخاذ کردیم: بدنبال انتشار اطلاعیه‌ها مآده‌ای - داستانی کل و ارجاع لایحه اجزای به مجلس شورای اسلامی، سازمان تصمیم گرفت که با اتخاذ موثرترین تاکتیک تبلیغاتی دست به افشای این توطئه سرکوب بزند و با فشار توده‌ها مانع تصویب و اجرای این لایحه گردد. و از آنجا که رژیم دست به تبلیغات عوام‌فریبانه و سعی زده بود، ما پیش از هر زمان دیگری میبایست متناسب با تاکتیک رژیم متناسب عینیتی نیروهای طبقه‌ای و ذهنیت توده‌ها، تاکتیکی متناسب اتخاذ می‌کردیم. برای این اساس بود که «نامه سرگشاده» را مناسبترین شکل برای افشای فساد و تبلیغ تشخیص دادیم و قرار بر این شد که نامه ما نهایتاً دست و ظرافت لازم نوشته شود تا هیچگونه توهم و ذهنیتی نسبت به حاکمیت بر نماند نگیزد. لایحه علیرغم این، در عمل با واکنش‌های منفی و انتقادات زیادی مواجه شدیم!

سپس چرا؟ با اعتقاد ما اگر چه ناتوانی حاکمیت در پاسخگویی به نیازها و خواسته‌های توده‌ها و ورود روشی مستقیم آنرا مردم، مدام توهمات توده‌ها را نسبت به آن در هم می‌شکنند، و پیش از این آنان را به عرصه عمل مستقیم میکشاند و پیش از آنکه را و امیدارده که کم‌کم از تاکتیک‌های توضیح‌سورانه دست بکشد، اما هنوز اعتقاد نداریم که نامه سرگشاده تاکتیکی که نه شده بوده است. زیرا این نظر ما تا زمانی که با رژیم وارد نبرد قطعی نشده ایم و سرنگونی آنرا در دستور کار خود قرار نداده ایم، چنین تاکتیک‌هایی را می‌توان مورد استفاده قرار داد. ولی این را می‌پذیریم که نامه بدلیل اشکالات و ضعفها که در مضمون دارد، نه تنها تاثیر افشای گرانه مطلوبی از خود به جای نگذاشته است بلکه برداشتهای گوناگونی بوجود آورده و توهمات بسیاری را نیز برانگیخته است! بطوریکه در زمینه‌های مختلف سیاسی سؤال ایجاد شده و حتی در مواردی هم بر مبنای این ضعفها علیه سازمان حکم صادر کرده‌اند!

ما در اینجا با طرح سئوالات مزبور، به یکایک آنها پاسخ می‌دهیم تا ضمن تصریح مواضع سازمان ضعیفها یا نه نیز روشن گردیده و نگرانی‌ها و ابهامات به طرف شود.

۱ - رفقای گفته‌اند: «از نامه اینطور برداشت میشود که گویا سازمان نسبت به مجلس و دولت دچار توهم است و انتظار دارد که مثلاً نمایندگان مجلس تجدید نظری بکنند و دست از این تصمیم‌گیری‌ها بردارند!» و یا «اگر چشم دانستی نداشته‌اید، چرا به مجلس نامه نوشته‌اند؟»
- در این باره صریحاً اعلام می‌کنیم که سازمان برپایه تحلیلی که از ما هست، قطعاً رژیم جمهوری اسلامی را رد، تردیدی

بودن جنگ احتمالی در کردستان است و همواره در ارکان مرکزی سازمان (کار) اخبار جنبش مقاومت و نقطه نظرات خودمان را در این باره انعکاس داده و می‌دهیم، معذالک با اشاره به این مسئله که در جنبش نامه‌های ذکر همه و اشیاء ضروری نیست. برای رفع هر نوع برداشت‌اشباه آمیختن، آشکارا اعلام می‌کنیم که سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران، نه تنها در کردستان و در کنار خلق کرد، بلکه در هر کجای که زحمتکش میهنمان علیه ظلم و حاکمیت مبارزه می‌کنند، حضور فعال و خویشتن را در آنجا وظیفه‌ای انقلابی دانسته و از هر چگونه حمایت و پشتیبانی می‌کند. در پیج کرده و نخواهد کرد. شرکت فعال ما در مبارزات حق طلبانه توده‌ها از آغاز قیام تا به امروز و نتایج ده‌ها شهید از بهترین فرزندان خلق در جنبه‌های جنگ کردستان و ترکمن صحرا و فدائی و اعتقاد ما را به مبارزه سرخ توده‌ها و وضای انقلابی بودن حکومت جمهوری اسلامی در عمل ثابت رسانده و سازمان در این باره همواره مواضع صریح داشته است.

۲ - برخی از هواداران پرسیده‌اند: «چطور شما در کار شماره ۱۱۰ از تاکتیک «نامه سرگشاده» استفاده کرده‌اید حال آنکه در کار شماره ۱۱۲ شرایط را «پیش از توفان» می‌بینید. اینها متناقض یا یکدیگر نیستند؟»

- اگر بپذیریم که در دورانی انقلابی قرار داریم و تحولات بنحوی سریع و بیرونی صورت می‌گیرد و متناسب با این تغییرات تحولات سریع، سیاسی تا کتیک‌ها (یعنی ذهنیت توده‌ها) متناسب فوای طبقه‌ای و توده‌ها و شرکده‌هایی که دشمن برای تحمیل توده‌ها و سرکوب انقلاب بکار می‌گیرد (تغییر میکند، خواهیم پذیرفت که نه تنها دو هفته، یک تا کتیک، می‌تواند به تاکتیک‌ها بدل شود، بلکه طی مدت بسیار کمتری هم ممکن است کار بردن تاکتیک‌های فوق العاده عالی تری ضروری گردد. و یا برعکس تاکتیک عقب نشینی بکار گرفته شود، بعنوان مثال هیچ بعید نیست که در چنین اوضاع و احوالی کمونیست‌ها گامی فراتر از ماجا هدین و لبرال‌ها بردارند و شعار «مجلس موسسان» و نظائر آنرا طرح کنند و همچنین این احتمال وجود دارد که درگیریها و تضادهای موجود با لاکر فته و شا هجنگی آشکار بین نیروهای مختلف اجتماعی با شیم و طبیعی است که در چنین صورتی بر شعار «تاکتیک‌های مان تغییر کرده و بسیاری از اشکال جدید تاکتیک‌ها، جای خود را با تاکتیک‌های پیشین عوض میکنند، و همینطور می‌تواند تغییر در توازن نیروها و... حتی انقلاب را به شکست کشانده و اساساً تاکتیک‌های ما را تغییر دهد. بهر صورت در دورانی انقلابی چنین تغییر و تحولاتی مریکاملا طبیعی و اجتناب‌ناپذیر است. (البته این توضیحات بهیچوجه توجیه‌کننده زیگراک زدن‌ها و عقب ماندگی‌ها بمان نیست. در این رابطه معتقدیم ما دام که به سیاست و برنامه «معینی دست پیدان نکردیم، ایم، لغزشها و زیگراک‌ها بمان امری ناگزیر است و بخود خود، برخی ابهامات و تاریکی‌ها که وجود دارد، خود را در حرکتها و مواضعگیریها بمان منعکس می‌سازد).

بررسی و تحلیلی از جنبش کارگری در سال گذشته

ب - روند جنبش کارگری پس از آغاز جنگ

جنبش کارگری که در اوایل دهه ۱۳۵۰ در اوج خود رسید و با آغاز زلزله بود که شروع جنگ در آنجا گرفت. هر چند که جرقه ها از مبارزات کارگران بطور پراکنده و در ابعاد مختلف در تعدادی از کارخانجات تداوم داشت. در اوایلین روزهای جنگ تسویه کارگران را احساسات شوونیستی فرا گرفت. شدت این احساسات آمیخته با تعصبات مذهبی آنچنان بالا بود که تمامی فضای کارخانجات را متاثر ساخته بود. دستگاہهای تبلیغاتی بورژوازی زرادیه و تلسویزیون گرفته تا تمامی نشریات بورژوازی با حرارت تمام از دفاع از زمین سخن می گفتند. موج میهن پرستی بورژوازی تا حدودی کارگران را فراق گرفت. توده کارگران بنحویسابقه ای تحت تاثیر ایده های جاری بورژوازی قرار گرفتند. در کنار تبلیغات بورژوازی اپورتونیزم نیز که شرایط جنگ را بهترین زمینه توافق کارگران با سرمایه داران یافته بود با تکیه بر به سویال و شورونیزم تمامی کوشش سیاسی - عملی خود را در جهت تابع ساختن سرنوشت کارگران به سرمایه داران خودی سوق داد. موقتاً مبارزات کارگران فروکش کرد. از سوی دیگر با شروع جنگ، آبا با نوا هوازیکی از مهمترین کانونهای اجتماع چریکهای صنعتی به صحنه اصلی جنگ دودولت ایران و عراق تبدیل گشت. پالایشگاه آبا دان در اتریشمباران از کار افتاد. تمام مراکز و پروزه های صنعتی یا بحال تعلیق در آمدنیا کما ملا" متوقف شد. کارگران شاغل این ناحیه تماماً به خیل بیکاران و آوارگان جنگی پیوستند. از سوی دیگر طبقه کارگری از منابع تامین کننده سرباز در این جنگ ارتعاجی بود و تعدادی از کارگران در این رابطه جان خود را از دست دادند. از این روایا طبقه کارگر بیشترین مصدات را در اوایلین روزهای جنگ متحمل شد. در چنین شرایطی رژیم جمهوری اسلامی به بهانه جنگ از یکسوکوشش برای محدود ساختن حقوق صنفی کارگران رافزونی بخشید و از سوی دیگر قدم به قدم با توسل به شیوه های سرکوبکارانه جواختن و ضد همکاری تیک را در کارخانجات وسعت داد. شلاق سلسله مراتب مدیریت و بخشنامه های وزارتی آئین نامه های انضباطی بر گروه کارگران فرود می آمد. رژیم از کارگران می خواست که این وضع را به

دلیل شرایط ویژه جنگ تحمل کنند. هر چند دفاع طلبی توده ها که شمره فریب بورژوازی و فقدان آگاهی چریکهای جوان و کم تجربه ای است که هنوز تبلیغات سرمایه داری بر اعصاب شور میهن پرستی را در آنان برمی انگیزد اما واقعیت سرخست مبارزه طبقاتی کارگران را قدم به قدم در مقابل حاکمیت قرار می داد. مبارزات پراکنده در اشکال متنوعی از اعتراضات فردی گرفته تا اعتصاب در اوایل مه سرمایه شکل گرفت و حول خواستهای اقتصادی و مطالبات دمکراتیک جریان یافت. در این مقطع که از اوایل مهر تا نیمه آبانماه بطول می انجامد خواستهای عمده کارگران جلوگیری از اخراج، افزایش دستمزد (سود ویژه)، پاداش تولید و... و اعتراضات پراکنده علیه آئین نامه های انضباطی و جوغرفقان حاکم بر کارخانجات بوده است. مبارزه کارگران در گروه صنعتی کفش ملی با اعتصاب کارگران یونایتد برای دریافت پاداش تولید آغاز می شود که به پیروزی کارگران منتهی می شود. کارگران استاندار در مقابل اجافات فرمها و مدیران دولتی، کنترل قطعتهای را در دست میگیرند. کارگران کارخانه عالی نسبت برای دریافت سود ویژه دست به اعتصاب و کم کاری می زنند که به نتیجه نمی رسد. تحصن کارگران ایران با در پشت علیه اخراج یک کارگر پیشرو پس از سه روز به پیروزی منجر میگردد. کارگران نوزنده کار روتوشیبا در پشت نیز علیه اخراج و تفتیش عقاید به مبارزه می پردازند. در سیمان درود کارگران برای دریافت سود ویژه و مخالفت با بازگشت یک مهندس ضد کارگردست به اعتصاب و تشکیل مجمع عمومی میزنند که در این مبارزه پیروز می شود.

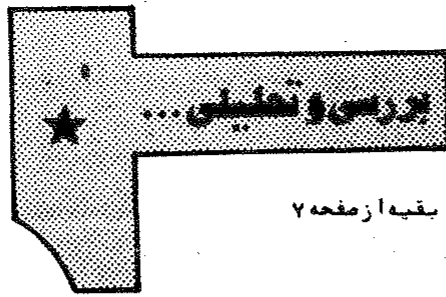
مبارزات کارگران

مجدداً گسترش می یابد

هر چه بیشتر در این فضاکت ناشی از جنگ آشکارتر میشد مبارزات کارگری و کمبود ما بحتاج اولیه زندگی بردوش کارگران سنگینی می کرد. فقر توده وسیع کارگران فزونی میگرفت. جنگ موج وسیع بیکاری، اخراج و تعطیل کارخانه ها را شدت بخشید. کارگران شاغل نیز تحت تاثیر شرایط اعتما خود را به تا مین حداقل معیشت خود در آینده از دست میدادند. ارگانهای سرکوب حاکمیت هر روز یورش به شوراها و انقلابی را شدت می بخشید. مدیران لیبرال، مکتبی و انجمن سلطی هر کدام به شیوه مخصوص خود دست اندر

کار توطئه و سرکوب بر علیه نمایندگان واقعی کارگران بودند. هر گونه اعتراض و مبارزه کارگران بر علیه زورگوییها و سرمایه داران و مدیران دولتی سرکوب میشد. وضع اقتصادی دمدم و خمیم تر می گشت. با ریلایا اقتصاد و بحران بردوش کارگران می افتاد. کارگران در تجربیات روزمره خویش در می یافتند که دولت بر حسب منافع طبقاتی نمی خواهد با رنج کار بردوش سرمایه داران قرار دهد. جنگ حامی جز فقر و گرانسی، آوارگی و بیکاری برای کارگران بود. زحمتکشان نداشتند. کارگران بر حسب واقعیت ملموس و تجربیات زندگی خود به ما هیت وعده وعده های دروغین رژیم جمهوری اسلامی در دفاع از میهن پستی میبردند. و از این زاویه جنگ آموزشهای بسیاری را برای طبقه کارگر به ارمغان آورد. مبارزات کارگران علیه وضع فلاکت بار رژیم دوم آبان با وسعت بیشتری آغاز شد. و کارگران برای بهبود شرایط زندگی خود دست به عمل انقلابی میزدند. جنگ کم کم به فرا موشی سپرده میشد و میزان شور میهن پرستی شوونیستی کاسته میگردد. در تهران کارگران کارخانجات دخیات، کانا دارای، گروه صنعتی نهمشهر و کارخانجات مقدم برای دریافت سود ویژه با جلوگیری از خروج تولیدات پیروزی دست می یابند. کارگران مبارز دخیات بمدت یکماه مانع خروج تولیدات گشتند. مبارزه کارگران کانا دارای به درگیری با پاداران و شهادت یک کارگر انجامید. در کارخانجات مسلسل سازی اعتصاب کارگران علیه کاهش حقوق خویش با عقب نشینی مدیران دولتی به پیروزی منتهی می شود. در دولتی روشی مدیران دولتی در گروه صنعتی کفش ملی و در تروتوتکه تعطیل کارخانجات و سوء استفاده مالی به تشکیل کمیسیون تحقیق درواستستاندار می انجامد و کارگران واحد سراسیاب جهت اعتراض به افزایش حقوق مدیران دست به اعتصاب میزنند و پیروزی می شوند. مبارزه علیه سوء استفاده مالی در کارخانجات ایران ناسیونال، جنرال موتورز و چیت تهران جریان می یابد در کارخانه فیلیپس بمنظور

بقیه در صفحه ۸



بقیه از صفحه ۷

و متحدانه کارگران مواحه می‌شوند. مبارزات کارگران ارج در همین رابطه یکی از نمونه‌های برجسته در این ماههاست. سیاست آپورتونیسیم راست در این دوره که مملو از دلپستی مفرط به فرمهای جزئی بوده و حق حیات خود را به اندک نانی بخورونمیر و فروخته بود با اتحاد سیاسی - عملی هواداران نا آگاه هاش در کارخانه‌ها با انجمن اسلامی - سه بورژوازی کمک نمود تا بتوانند شوراها را انقلابی و کارگران پیشرو را سرکوب کند، و سیاست‌های بی محتوا و زرد کردن شوراها را شدت بخشد و از سوی دیگر به تشویق کارگران جهت اعزام به جبهه می‌پرداخت تا بتوانند هر چه بیشتر کارگران را قربانی این جنگ ارتجاعی بنماید.

در اوایل این دوره جنگ بصورت امری فرعی برای کارگران درمی آید. اما در یک مقطع کوتاه، زمانی که بورژوازی عوام فریبانه و با یوق و کرنا از پیروزی در جنگ ارتجاعی سخن می‌راند کارگران نیز تمام توجهشان بدان سمت جلب شد. ولی اینبار از او به دید کارگران تنها رضایت از پایان جنگ و قطع آن بود. اگر مبارزات کارگران را در این دوره جمع بندی کنیم می‌توانیم بگوئیم: محور خواسته‌های اقتصادی کارگران در این دوره افزایش دستمزدها زکاتال بود و ویژه و عمدتاً " طرح طبقه بندی مشاغل می باشد. همچنین مقابله با تغییر و افزایش ساعت کار جنبه‌ای دیگر از مبارزات کارگران را تشکیل می‌دهد.

اما مطالبات دمکراتیک کارگران عمدتاً " در حمایت از کارگران پیشرو اخراجی و مبارزه بر علیه جوارختساق و تفتیش عقاید و نیز اعتراض به آشنی نامه‌ها و غیره خلاصه می‌شود.

شکل عمده مبارزات کارگران در این دوره اعتماد است. که در کنار آن اشکال دیگری چون جلوگیری از خروج تولید و راهپیمایی نیز مشاهده می‌شود.

اوج یابی و

گسترش مبارزات کارگران

مبارزات کارگران در مقاطع بهمن و اسفند در سیر تکامل خود از مرحله خواسته‌های پراکنده اقتصادی فرا تر رفته و مبارزه جهت دریافت سودویژه، عیدی، پاداش در اغلب کارخانجات بگونه‌ای خود بخودی و پراکنده اما با توان افزایش

اخراج مدیرعامل توسط کارگران راهپیمایی اعتراضی صورت می‌گیرد. در اصفهان کارگران سیمان سیاهان و نساجی تاج با اعتصاب و راهپیمایی حول گاهش دستمزد (مزا یا سودویژه) به مبارزه برمی خیزند در صنایع فولاد و گسترش مسکن اصفهان برای دریافت حقوق عقب افتاده کارگران - به گروه‌های دیگری و اعتماد دست می‌زنند. کارگران شرکت واحد اصفهان در اعتراض به اخراج نماینده خود اعتماد نمودند کارگران پتروشیمی و ناسیونال اصفهان نیز برای خواسته‌های اقتصادی به مبارزه برمی خیزند.

در گیلان در کارخانجات نوشیبا و ایران کف در اعتراض به اخراج نماینده کارگران اعتراض وسیعی صورت می‌گیرد. کارگران بانسکیل مجمع عمومی و دست زدن به کم کاری مبارزه را ادامه می‌دهند. در کارخانه پوشش و ورزیده کار اعتراض وسیع کارگران علیه جوارختساق اوج می‌گیرد.

در قزوین موج مبارزه رشد می‌کند و حادثه می‌شود. مبارزه کارگران ری - اوواک، نیتینگ و تیزرو جهت اجرای طرح طبقه بندی مشاغل به اعتصاب و جلوگیری از خروج تولید می‌انجامد که به نتیجه‌ای نمی‌رسد. در ریسندگی آذربایجان مبارزه بر سر دریافت سودویژه به اخراج ۳ تن از کارگران منجر می‌شود. مبارزه کارگران فرش برای تشکیل شورای انقلابی به پیروزی می‌رسد. کارگران مبارز سیمان صوفیان و کمربت سازی توکلی در تبریز برای بازگرداندن اخراجیها با جمع آوری - طوماروا شکل دیگر اعتراض می‌کنند. در اراک در ماشین سازی، چپبال، ایرالکوبر علیه آشنی نامه‌های انتظامی و مدیران ضد کارگری بر علیه اخراج کارگران پیشرو و نمایندگان واقعی کارگران اعتراض گسترده‌ای صورت می‌گیرد.

در همین دوره نطفه‌های ناراضی از جنگ خود را بشکل مخالفت با پرداخت بکروز حقوق ماهانه به بها نه کمک به جنگ زدگان منعکس می‌نماید. مبارزات کارگران در این ماهها در مقابل سرکوب شوراها و انقلابی که از زکاتال مدیران دولتی و انجمن اسلامی با همکاری گسترده سپاه پاسداران عملی می‌گردد، مقاومت شایان توجه کارگران را بر می‌انگیخت. اتحاد عمل مدیران دولتی با انجمن اسلامی در سرکوب مبارزات کارگران و عزل و اخراج نمایندگان واقعی کارگران و هیت ضد کارگری انجمن هارا نزد کارگران آشکار می‌ساخت. انجمنها در این دوره تفتیش عقاید و جاسوسی را بشکل گسترده‌ای پیش می‌برند. حسن نفرت و مقابله جویی با این ارکان در کارگران رشد می‌یافت. از سوی دیگر سیاست بی محتوا کردن شوراها با ایجاد شوراها فرمایشی توسط گردانندگان انجمن اسلامی که اغلب در موقع انتخابات بوسیله پاسداران سرمایه و کمیته‌های انجام می‌گرفت یا رویا رونی یکپارچه

با بنده‌ای شدت گرفت. ولی فقدان اتحاد سراسری هنوز امکان مبارزه متحدانه و سازمان یافته طبقه کارگران فراهم نیاورده است. کارگران در این مبارزات که بطور روزافزونی رشد می‌یافت و حادثه می‌شد به تدریج درمی یابند که تنها راه بهبود شرایط آنها و حصول آزادی شان اقدام به مبارزه علیه طبقه سرمایه دار و دولتهاست. تجربه جنگ هماغانه در تجربه دیگر اگرچه در ابتدا جریخ ناگهانی در مبارزاتشان بوجود آورد، و باعث توهم نموده و پیشماری از کارگران کردید. اما تجربیات روزمره و فشار ناشی از بحران اقتصادی بتدریج آنان را آید می‌ساخت. نکته برجسته جنبش کارگری در این دوره مبارزات کارگران مناطق جنگ زده است که بعد از یک اوقات کوتاه مدت دوباره اوج گرفت.

مبارزه نفتگران جنگ زده جنوب، نظارات کارگران ترمینال و بندر خرمشهر و مبارزات کارگران سازمان آب و شرکت شناوه، کارخانه فندوشک، شرکت دی، صنایع فولاد، کشت صنعت گریسو، بهره برداری شرکت نفت اهواز اغلب حول دریافت حقوق عقب افتاده و اخراج بی رویه کارگران سازمان یافت حمایت شورای سراسری نفت از مبارزات آنها است. حس اتحاد و همبستگی کارگران بود. مبارزات نفتگران پالایشگاه اصفهان علیه اقدامات خود سزانه مدیریت از جمله لغو سیستم نوبت کاری که بدست توانای نفتگران قهرمان پس از قیام خونین خلق برپا شده بود شدت گرفت. نمایندگان شوراها سراسری پالایشگاهها خواستار رفع تبعیض انقلابی رئیس فعلی پالایشگاه اصفهان و تصفیه عناصر سرسپرده رژیم سابق در شرکت نفت شدند. آنها با طرح اقدام مستقیم خویش در جهت اعمال اراده خود به رژیم هژماد دادند.

در کارخانجات ماشین سازی، تراکتور سازی، کمپیدرو، لیفت تراک در تبریز حول سودویژه و جهت بازگرداندن کارگران اخراجی مبارزه شکل می‌گیرد. در کارخانجات قزوین مبارزات کارگران برای دریافت سودویژه و اجرای طرح طبقه بندی مشاغل از یک سو و مطالبات دمکراتیک از سوی دیگر، وسعت گرفت. از جمله در کارخانجات تیزرو، نیتینگ، قرقه زبیا، فرش، ریسندگی آذربایجان و تنید، این مبارزه جریان داشت. کارگران در اغلب این مبارزات به اشکالی چون اعتصاب، تحصن و جلوگیری از خروج تولید در مقابل سرمایه داران و دولت حامی آنها قرار می‌گرفتند.

در گیلان مبارزات کارگران فرش پوش، ورزیده کار، ایران الکتریک حول سودویژه و علیه اخراج شدت یافت. در کارخانه ایران الکتریک کارگران برای دریافت سودویژه دوروز دست به اعتصاب زدند و مدیران کارخانه را به عقب نشینی واداشتند. در دیگر کارخانجات نیز اعتراض و مبارزه برای سودویژه

بقیه در صفحه ۱۶

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیشتر از مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران



۹ خرداد ۵۸ چهارشنبه سیاه: روزی خونین در تاریخ خلق عرب خوزستان

۲

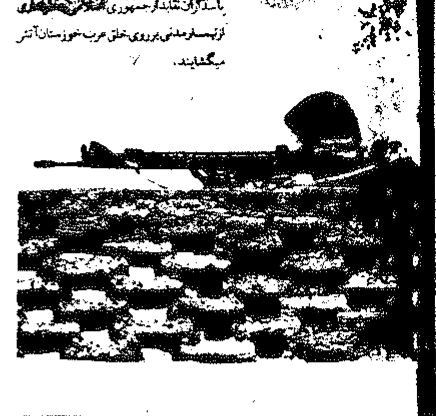
از فصل سکول "مزارع احما عی" از ده است جزئی سبب جزو سرنوشتی که دولت عراق گالاهای سلیبانی خوبی را بمعترض نمایان کرده است! از این نظر خلق عرب خوزستان پس از پیش درمی یا بد که بحران کابینه نیروهای خودیبه نیروی زحمتکاران خلفهای دیگران چون کردها، فارسها، بلوچها، ترکمن ها، آذربایجانها و... نخواهد توانست با زادی و حق تعیین سرنوشت خوبش دست یابد.

وظیفه نیروهای انقلابی در فعال جنبش خلق عرب

این وظیفه نیروهای انقلابی است که کمبود تاریخی خود را در مورد خلق عرب خوزستان جبران کرده و به حرکت فعال در دفاع از حق تعیین سرنوشت خلق عرب اقدام کنند. این نیروها باید با شرکت فعال در جریان تاریخ روزمره که سرنوشتی زحمتکاران خلق عرب مربوط میشود سیاستهای انقلابی را بنفع زحمتکش ترین اقشار خلق اعمال کرده و در منفرد ساختن گرایشات ناسیونالیستی و ولایت گرایانه و افشاء سیاستهای بورژوازی وابسته و نیروهای مرتجع کوشیده و وحدت خلقهای تحت ستم ایران را تبلیغ نمایند.

نیروهای انقلابی باید بکوشند با تبلیغ و ترویج حق ملل در تعیین سرنوشت خویش و روشن ساختن ذهنش بوده های سراسر ایران نسبت به مساله خلقها و در این رابطه مسئله خلق عرب خوزستان وظایف تاریخی طبقه کارگر را با انجام رسانند. با انجام چنین سیاستی است که زمینه وحدت مبارزاتی خلق عرب با جنبش ضد امپریالیستی-دمکراتیک طبقه کارگر و سایر خلقهای ایران بوجود خواهد آمد. هر چند در زمان ما در توضیح سیاست خود در قبال جنگ ارتجاعی ایران و عراق، مسئله صلح با توجه به حق خلق عرب در تعیین سرنوشت خویش اعلام کرد که از درک نیندی در برخورد به خلقها سرچشمه میگردد ولی آنطور که باید و نباید روی آن تبلیغ و ترویج بعمل نیامد که این امر میان توده های خلق عرب و سایر خلقها برود، امری که لازمست در آینده روی آن بیشتر تکیه شود. تنها سبکبری در پیاده کردن شعارهای درست و انقلابی است که میتواند درسالست پرولتری را در قبال خلقهای تحت ستم با انجام رسانند.

ما در سالگرد چهارشنبه خونین، یاد شهدای خلق عرب خوزستان را گرامی میداریم و همبستگی و پشتیبانی خویش را با مبارزات بحق خلق عرب خوزستان، و تحقق خواسته های برحق و عادلانه آنها اعلام می کنیم.



بازار شهید در جمهوری خلق عرب خوزستان
توسعه و رونق بخشیدن به اقتصاد خوزستان
میکند.

تعیین سرنوشتی انقلابی و نمود سبوح مرتجع و رهیبری مذهبی

اگر در کردستان و ترکمن صحرا علی بن ابی طالب و سارانی این خلفها و سربک نیروهای انقلابی و مرفی، با رباستهای مرفی و انقلابی نفس سبب مهم و اساسی در رهبری جنبش خلقی در این مناطق دانستند، در خوزستان جنبش خلق عرب تا ضعف شدید عمردهنی مرفی روی نمود. البته در اسحا، بحال آن نسبت کدلیل این ضعف سرداریم ولی همسفر مسوان گفت که سازمانهای مرفی و انقلابی با نفوذ نتوانستند با لایهای کدیس در میان خلق عسرب خوزستان ساکنند و ارجحیت قابل توجهی بین توده های خلق سرخوردار را نهند. وضعیت زیرهای خوزستان کدیس و ترکمنی ارتجاعی و سبوح... بی یک قرن اخیر شکل نگرفت و این جمع ارتجاعی عمدتاً "در در زمان صفویه" شکل گرفت. می باشد که در این زمان کدیس و سرفکران انقلابی و مرفی در این منطقه نتوانستند نفس آکا هکرا در خود را آنگاه که با بدو با بد در میان خلق خود ایفاء کنند. و بنا بر این سبوح مرتجع عرب و عناصر مذهبی در بدست گرفتن رهبری توده های عرب قابل توجهی یافتند. نیروهای سیاسی هم حذر سالهای قبل از ۲۸ مرداد ۳۲ وحدت با لایهای نتوانستند بیوند حسن کارگری و مدارا مریالیستی را با جنبش ملی جنبش عرب سر فرار سازند. اینها همه توانستی بود که رهبری توده های عرب عمدتاً در مرتجعین و عناصر مذهبی تقویت کرد. تا پس سرنوشت مسئله ای که خود معینولیک سری عوامل سودسین صورت علت عمل میکرد یعنی وجود عناصر ارتجاعی در رأس جنبش ملی خلق عرب خوزستان مهرا ارتجاعی به کل جنبش میزد و مسموم میسدرای نفی جنبش خلق عرب و نفی حقانیت اصولی آن.

نفس ارتجاعی و ادعای دروغین دولت عراق در حین با از خلق عرب

رژیم ارتجاعی عراق که خود سربک خلقهای عراق

است. رژیم کدکارگران و زحمتکاران عراق و خلق کرد عراق را سرکوب میکنند و با مال کردن حقوق دمکراتیک آنان در مرد اقدامات آشکارا سرتیم است. جنبش دولتی همینه برای اعمال جاه طلبی های خویش در سبب و جلیج فارس از مسئله خواسته های دمکراتیک خلق عرب خوزستان که بالانها تحت سرکوب حکومتی ارتجاعی ایران قرار داشتند اندسوز استغاده کرده و کوشیده است خود را مدافع حقوق خلق عرب خوزستان قلمداد کند. دولت عراق منظور اجرای مفاد خود به حمایت از سبوح مرتجع عرب خوزستان برداشته است. اما این اقدامات به آنها کمکی به تعیین حق تعیین سرنوشت خلق عرب خوزستان نکرد بلکه این امر همیشه وسیله ای شده است که رژیم های ضد مردمی نظیر رژیم شاه و همچنین رژیم جمهوری اسلامی سرکوب زحمتکاران عرب را تحت عنوان عوامل رژیم بعث عراق عملی سازد. هر چند نیروهای آگاه و مبارز خلق عرب با این دشمن دولت عراق پی بردند ولی بعثت تا آگاهی توده ها و وضع مسالمت نیروهای مرفی در میان خلق عرب، زحمتکاران و مخصوص توده های دهقانی و عشایری عرب هنوز نتوانسته اند خوبی توده های خلقی دولت عراق پی ببرند. توده های خلق عرب که پیشانیای مشخص و ملموسی از طرف سایر خلقهای ایران نمی بینند به ناچار دولت مداخلی عراق منکی میشوند. اما همین جنگ اخیر تا اندازه ای به آنها نشان داد که دولتین ایران و عراق به جبری که فکر نمیکنند زندگی و سرنوشت خلقهای ساکن مناطق جنگ زده است. این جنگ نشان داد که چگونه ارتش سرکوبگر عراق برای تامین منافع دولت سرما به داری بعث عراق از گشتا رعب و فواری و کرد و... ایالتی ندارد و علیرغم ادعاهای دروغین او از نجا و زبانه ها و کانه ها و نه مال و ناموس و... زحمتکاران عرب خوزستان را روگردان نیست و اگر در مناطقی که ارتش عراق آنرا اشغال کرده است دست با اقداماتی

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

خودکفائی ضد امپریالیستی به سیاق دولت رجائی

بیند؟" میگوید "تا آنجا که من اطلاع دارم دولت ژاپن مایل نیست چنین وضعی پیش آید (۱) و دولت ژاپن مایل است که قرارداد ادامه پیدا کند (اطلاعات ۶۰/۲/۱۵)، می بینید که برای رفسنجان شی اصولاً مطرح نیست که بعثت مسامحه های شرکت میتسوئی میلیاردها تومان سرمایه گذاری کند زحمتکشان به کاررفته، در حال نابودی است بلکه مهم اینست که "دولت ژاپن" مایل است که چنین ویا چنان شود.

نمونه دیگری این قرارداددهسای اسارت آور، پروژه متروی تهران است، در حالیکه بسیاری از زحمتکشان روستائی ماحتی از داشتن قاطر برای نقل و انتقال بیماران روبه موت خود به مراکز درمانی بی بهره اند، آقایان کارپروژه متروی تهران را که یکمک کارشناسان فرانسوی تهیه و تنظیم شده و قرار است تجهیزات آن نیز از فرانسه خریده شود، ادامه میدهد. دولتی که بیگانه سازی را در صدر برنامه های خود قرار می دهد، طبیعاً باید در پی اجرای طرح شانه های مترو باشد تا به اصطلاح مسئله ترافیک را حل کند. و یا مثلاً در رابطه با

خرید ۵۶ میلیون دلار (۴۰۰ میلیون تومان) اسلحه هنگامیکه همه از طریق رادیوهای کشورهای امپریالیستی مطلع میشوند که آقایان قراردادی با یک کمپانی اسپانیائی بسته اند و در ازای پرداخت ۴۰۰ میلیون تومان حتی یک فشنگ هم دریافت نداشتند، بنسوی میگوید بعثت اینکه نمیخواسته اند از "برق درتها" اسلحه بخرند، با اسپانیا وارد معامله شده اند و ده ها نمونه از این گونه قراردادها "با کمپانی های دیگر بسته اند که از آن میان کارایین یک نمونه به اینجا کشیده و از مردم میخواهد که دوباره شروع به چرتکسسه انداختن نکنند!

در رابطه با صنایع مونتاژ که بخش عمده صنایع کشور را تشکیل میدهد وضع بر همین منوال است. بعنوان مثال در صنایع اتومبیل سازی که میتوان آنرا سمبل صنایع مونتاژ نامید، عقد قرارداد با انحصارات امپریالیستی همچنان ادامه یافته و در بعضی موارد نسبت به گذشته حتی از حجم و مبلغ بیشتری نیز برخوردار بوده است. نمونه با رزاین عملکرد میتوان در قرارداد با تالیوت یافت که بقول اطلاعاتی مسئولان شرکت مذکور "زیر رگترین سفارشات صادراتی بوده که تا بحال به یک کمپانی بریتانیائی واگذار شده" (انقلاب اسلامی ۶۰/۲/۶) و هنوز مردم از کم و کیف این قرارداد مطلع نشده اند که دولت توپید میدهد که کارخانجات مزدا نیز قراردادی سه ساله با شرکت ژاپنی "تویوکویسو" منعقد نموده تا قادر باشد طی سه سال آینده تولیدات کنونی وانت مزدا را از ماها نه ۵۵۰۰ دستگاه به ۱۲۰۰ دستگاه

بقیه در صفحه ۱۱

اولیای امور جمهوری اسلامی پیوسته از لزوم مبارزه ضد امپریالیستی سخن گفته و در این میان دولت رجائی مکان برجسته ای را به خود تخصیص داده است. چرا که او و وزرای مکتبسی اش برای فریب زحمتکشان چنان در "حرف" به امپریالیستها بوش میرند که تا مدتی موفق شدند زحمتکشان را که خواهان مبارزه واقعی با امپریالیسم می باشند سردرگم کنند.

مادر نیر خلقی گفتیم که "تغییراتی که پس از قیام در ترکیب سرمایه (دولتی و خصوصی) پیش آمدنفسیری کمی بود... و نه کیفی و دولت از همان ابتدا در جهت بازسازی نظام سرمایه داری وابسته حرکت کرده است" و اکنون میبینیم با وجود جایگزین شدن دولت کام به کام "نوسط" دولت مکتبی با زهم بعثت عدم تغییر مناسبات تولیدی، دولت رجائی نیز همچون دولت بازرگان در راه تحکیم زنجیره های سرمایه داری وابسته گام برمیدارد. و به همان نسبت که عقد قرارداد با انحصارات چند ملیتی فزونی مینماید، دولت رجائی برای آن که قافیه را نبازد، پیش از پیش "برق درتها" را مورد حمله قرار می دهد تا از این طریق از یکسود دولت خویش را مستقل جلوه دهد و از دیگر سو، نزدیکی روز افزون بسسه امپریالیستهای اروپائی و ژاپنی را توجیه کند. و درست به همین دلیل در عین آنکه آقایان از لزوم خودکفائی صنعتی و کشاورزی سخن میگویند مرتباً "میشوم" که دولت ضمن عقد قرارداد های چند ملیتاری در تومانی با شرکتهای چند ملیتی، سیل کالاهای کشورهای امپریالیستی را به ایران سرازیر میکند.

بعنوان مثال سال گذشته در گرما گرم مبارزه به اصطلاح ضد امپریالیستی (گروگانگیری) میزان واردات گندم، برنج، مرغ، تخم مرغ، روغن و... نسبت به سال پیش به شدت فزونی یافت و ارزش واردات را که طی زده ماه اول سال ۵۸ مبلغ ۶۱ میلیارد بود، به ۲۱ میلیارد ردتوما رندر سال ۵۹ ارتقاء داد و این در حالیکه میزان صادرات غیر نفتی در جهت عکس سیر کرده است: جدول زیر برینا نگرایین واقعیت است که تولیدات داخلی و در نتیجه صادرات چه صنعتی و چه کشاورزی، نسبت به سال ۵۸ شدیداً دچار رکود بوده است. و در مورد بعضی اقلام صادراتی همچون نخ و پودر لبا شوئی و لامپ و... اکنون مجدداً به واردات متوسل شده اند.

و درست به همین گونه است شیوه خودگفائی ضد امپریالیستی دولت رجائی در رابطه با عقد قرارداد با امپریالیستها برای انجام پروژه های مختلف، طرح پتروشیمی بندر خمینی، یک نمونه از قرارداد های وابستگی و ربا امپریالیسم زاپناست که اکنون در مراحل پایانی آن، ناچار باید برای جلوگیری از زیان بیشتر آنرا تکمیل کرد. این طرح که ابتدا قرار بود با هزینه ای برابر با ۸۰۰ میلیون دلار

(تومان ۵۶۰۰۰۰۰۰۰۰۰) ساخته شود با وجودیکه ژاپنی ها مبلغ اجرای این طرح را به ۳۳۰۰ میلیون دلار (بیش از ۲۳ میلیارد تومان) افزایش داده اند، همچنان از نظر مبلغ و کلیت خود مورد تأیید دولت رجائی است. و در حالیکه این قرارداد برای ژاپنی ها بحدی پراهمیت است که سرپرست وزارت برنامه ریزی اقتصاد ژاپن میگوید انجام این طرح "بیشتر در اجرای دیپلماسی دولت ژاپن را در خاور میانه آسانتر میکند. (جمهوری اسلامی ۵۹/۱۵) بدلیل آنکه شرکت میتسوئی ژاپنی نیز به توخالی بودن شعارهای ضد امپریالیستی جمهوری اسلامی پی برده، با زهم با نا زوگرمه در تکمیل طرح مذکور تعلل میورزد تا شاید قیمت اجرای آن را با لایتنر برسد. و جالب است که رئیس مجلس در پاسخ به خبرنگار ژاپنی که میپرسد:

"آیا امکان دارد ایران برای پایان و تکمیل طرح پتروشیمی بندر خمینی با کشورهای دیگری غیر از ژاپن قرارداد



مجلس شورای اسلامی ایران
وزارت اقتصاد

اداره امیر اقتصاد

شماره ۱۳۶/۱۱۱۳۲

تاریخ ۱۳۰۹/۱/۲۲

پادروست

وزارت امور ارضه، جمهوری اسلامی ایران با "چارتهای مازاد خود احتسابی" به نفع ارضه خات، سرمایه و طرح قراردادهای مربوط به مازاد خنثی از طرف شرکت در عیانت ایران در مورد خرید ۴۰ تن سرخیم جبه ای را به هیئت ارسال مینماید:

مورد استان خراسان در مورد دستور فرمایند. خدا آفرینا به اطلاع میسازد و بازمانده از نفع کننده مازاد نیز برسانند تا در صورت تمایل شرکت در مازاد خنثی لایق اتمام مقرر شده است. مازاد را تا تاریخ ۳ مارس ۱۳۶۱ به اداره دفتر شرکت در عیانت ایران ارسال نمایند.

موقع قرار جهت دیدن احرازات نامه منضم بشماره:

مبارزه چریکها علیه

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدانیست



خودکفائی ضدامپریالیستی به سیاق دولت رجائی

نقشه از صفحه ۱۰

افزایش دهد. و جالب اینکه مجتبیوی مدیرعامل شرکت مزبور این قرارداد اسارت بار را "موفقیت بزرگ کارخانجات اتومبیل سازی مزدا می نامد" (اطلاعات ۱۷ اردیبهشت).

البته هنگامیکه نخست وزیر میگوید "ما میتوانیم از ژاپن بعنوان کشوری که صنعتش میتواند در راه اندازی صنعت ما موثر باشد، استفاده کنیم (اطلاعات قرار دادهای چندین عجیب نیست و از مدیر عامل یک شرکت نمیتوان بیش از این انتظار داشت. ولی نکته قابل توجه اینجاست که دولت رجائی نیز همچون دولت بازرگان در حالیکه به "ا برقدرتها" دشنام میگوید و بر لزوم خودکفائی اصرار میورزد و ادعای تشویق مخترعین را دارد، اقتصاد کشور را بیش از پیش به امپریالیستها وابسته ساخته و حیطة این وابستگی را حتی به مصنوعات می که میتوان در کشور تولید شوند نیز میکشاند. نمونه بارز این عمل را میتوان در وارد کردن سریشم، قلفل، زردچوبه، موم و ... مشاهده نمود.

بیچاره سوسیل رفرمیست های جناح راست اکثریت که تصور میکنند قادر خواهند بود با تصاحب برادرانه خود در مقالات دنیا له داری چون "چگونگی میتوان وابستگی اقتصادی را از میان برد" سردمداران رژیم را به خودکفائی اقتصادی سوق دهند. و در این میان درست هنگامیکه رفرمیستهای اکثریتی مشغول به نقد کشیدن صنعت اتومبیل سازی و نصیحت اولیای امور برای خود کفا کردن آن بودند، طرح قرارداد و همچنین قرارداد چند صد میکیونی بسا شرکت اتومبیل سازی "تویوکویو" ژاپنی برای مونتاژ مزدا اعلام میشود.

مختصراً اینکه رژیم جمهوری اسلامی در حالیکه در شعار مخالف امپریالیستها، چنانکه بارها نشان داده ایم در "عمل" پیوندهای خود را با امپریالیستها روز بروز مستحکمتر میسازد، و بقول معروف امپریالیستها را با دست پس میزند و با پیش میکشد! اما با یادگان کردکسه دولت رجائی اکنون در مرز خودکفائیست، البته نه در زمینه صنعت و کشاورزی، بلکه تنها در زمینه شعارهای توخالی!

زاین مجدداً قطعات یدکی اتومبیل

به ایران صادر می کنند

محروری بارش برای این امر به مدت یک ماه زودتر گشته است. زاین مجدداً قطعات یدکی اتومبیل را از ژاپن وارد کرده است. این قطعات شامل موتور، گیربکس، ترمزها، سیستم تعلیق و سایر اجزا می باشد. زاین اعلام کرده است که این اقدام به منظور کاهش هزینه های تعمیرات و افزایش ایمنی وسایل نقلیه در ایران است.

صدور قطعات مزدا به ایران

قطع شدن روابط با آمریکا و تحریمات سازمان ملل برای شرکت مزدا در ایران، مانع از ورود قطعات یدکی این خودروها به کشور ما شده است. با وجود این، شرکت مزدا تصمیم گرفته است که از طریق شرکت های واسطه در ژاپن، قطعات یدکی خود را به ایران صادر کند. این اقدام به منظور کمک به صنعت خودروسازی ایران و کاهش هزینه های تعمیرات است.

قرارداد یک میلیارد دلیره انگلیسی ایران فاسیونال باشرکت «تالیوت»

با دولت ایران امضا شد. مطابق این قرارداد، شرکت انگلیسی «تالیوت» یک صد هزار تن فولاد را به ایران صادر خواهد کرد. این قرارداد به منظور تقویت روابط اقتصادی بین دو کشور است.

ارزش ۷۹ قلم کالای وارداتی اعلام شد

برای آشنایی با ارزش این کالاهای وارداتی، جدولی تهیه شده است. این کالاهای شامل قطعات یدکی، مواد غذایی، دارو، و سایر اقلام است. ارزش این کالاهای به ارزش ریالی و دلار آمریکا اعلام شده است.

کارخانجات مزدا قرارداد تازه ای برای ۳ سال آینده با ژاپن منعقد نموده است که سطح قیمت های آن در حدود قیمت های سال ۱۹۷۶ می باشد!

قلم صادراتی	بازده ماها و اسیال ۵۹		بازده ماها و اسیال ۵۸	
	وزن به تن	ارزش به هزار ریال	وزن به تن	ارزش به هزار ریال
۱- پنبه	۱۱۳۲	۱۲۳۴۲۴	۴۴۰۲۲	۲۹۸۱۳۱۴
۲- خرمای تازه و خشک	۲۷۱۳	۴۶۸۲۱	۶۲۲۶۰	۱۲۸۵۱۵۸
۳- کشمش - مویز و سبزه	۱۶۸۷۰	۱۷۸۰۲۴۱	۳۹۶۲۳	۳۰۴۳۰۱۹
۴- پسته و مغزیسته	۴۷۵۷	۲۲۰۷۵۰۹	۱۸۷۹۰	۴۳۰۴۳۳۸
۵- بادام و مغز بادام	۳۲۵	۷۷۲۰۲	۱۸۹۴	۳۲۱۳۳۳
۶- تریبار و روسریجات	۱۰۱۷۸	۱۳۱۸۹۷	۱۴۱۲۳	۱۵۹۹۷۸
۷- پارچه های پشمی	—	—	۴۲۳	۱۷۶۴۴۶
۸- منسوجات الیاف مصنوعی	۱۴۷	۷۳۳۳۴	۲۹۲	۱۶۸۸۵۳
۹- انواع نخ	—	—	۲۱	۳۲۵۹۳
۱۰- کنسرو مواد غذایی	—	—	۲۴۹	۷۷۹۲
۱۱- پودر لبن شوشی و سایر	—	—	۱۰۸	۲۹۴۴
۱۲- ظروف آلومینیومی و مسی	۲۰۳	۵۱۴۲۶	۲۸۸	۴۴۱۲۸
۱۳- کولر	۱۲	۲۸۸۵	۵۰	۱۷۱۷۷
۱۴- چراغ گاز	۶۵	۵۰۴۴	۱۵۳	۱۰۱۷۷
۱۵- لامپ الکتریکی
۱۶-

از جنگ ارتجاعی زحمتکشان بیزارند دو میلیون آواره، نان، مسکن ندارند

در حاشیه بند "ج"

مبارزات دهفائی اوج یافته و حکومت رادریکنه فرار داده است. علاوه بر این، در روساهاشی دهفائی خود از طریق انقلابی زمین مالکین را مصادره کرده و از آنها خلع ید کرده است و در باره ای سدک از روساها نیز زمین توسط هیات های ۷ نفره دهفائی و اگدا رفته است. اسب (بمقدار ۱۵۰ هزار هکتار)، در حالیکه در بقیه روساها زمین کماکان تحت تسلک مالکین باقی مانده است. به همین دلایل است که رژیم با ساقی روسیرو است. اریکطری می خواهد تا سرحد امکان از مافع مالکان دفاع کند و از طرف دیگر این مافع توسط دهفائی نیز مبارزه طلبیده شده و بیخاطر سطح این مبارزات می یواند پیدا نگونه که مخواهد مافع مالکین را محفوظ بدارد.

موضع گیری های متفاوت و تناقض کوشی های سران حکومت درباره مساله ارضی و بند "ج" عمدتاً ناشی از این است و صحت در کانه است. در حالیکه ۱۰۰ تن از نمایندگان مجلس از جناح های مختلف حاکمیت تحت فشار اعتراضات و خیزش های احمر دهفائی و برای تدایم حاکمیت رژیم و حفظ نظام، از رسمیت از مافع زمینداران سرک می گذرد و خواهان اجرای بند "ج" می شوند. آیت الله خمینی با ادا مسه سناست سکوت در این باره. همچنان بر نوبت آن ناکد می ورود. و هنوز ۱۵ روز از ارسال نامه نمایندگان نمی گذرد که نخست وزیر کمیتی در مورد اجرای بند "ج" اظهار می دارد: "انقلاب یک انقلاب مائستی نیست که زمین را مفعولان عمراطی انقلاب می دانند بلکه برای ما زمین یک وسیله است". (جمهوری اسلامی ۶۰/۲/۲۱). و به این ترتیب راجه شئی از دادن پاسخ صریح به مساله طفره می رود و موضوع را صورتی مطرح می سازد که کوبا مساله زمین، یک موضوع مائستی است که ربطی به وظائف "دولت" مکنی او ندارد.

بهر حال، طی این دو سال و اندی، رژیم جمهوری اسلامی در تخریب زمین مساله است که خود با تمام یک املاحات ارضی، حسی در همان محدوده ای که بصورت فابوسی در آمده است، مصادرت نمی کند. رژیم، تنها وقتی به عقب نشینی و انجام املاحات ارضی تن می دهد که تحت فشار بوده ای و دهفائی فرا ر گرفته باشد. بنا بر این دستا بی دهفائی دهفائی مطلقاً خود یعنی زمین، شورا و امکانات کشت و زبندی (که بند "ج" فقط بخشی از آن را شامل می شود) از طریق مبارزه برای انجام یک املاحات ارضی دموکراتیک امکان پذیر است. در این مورد شورا های ترکمن صحرا نمونه کوبا شی است از ظرفیت همکاری و حرکت های دسته جمعی بوده ای دهفائی در بین بردا املاحات ارضی دموکراتیک، تنها، تدایم، گسترش و تعمیق این مبارزات دهفائی که در بطن مبارزات بودای و در ارتباط مساله آن انجام یافته است. هیات حاکمه را تا حد و دی و ادا ربه عقب نشینی و رسمیت شناختن حقوق دهفائی نخواهد کرد.

رژیم، جمهوری اسلامی در بحر به نشان داده است که خود با تمام یک املاحات ارضی، حسی در همان محدوده ای که بصورت فابوسی در آمده است، مصادرت نمی کند. رژیم، تنها وقتی به عقب نشینی و انجام املاحات ارضی تن می دهد که تحت فشار بوده ای و دهفائی فرا ر گرفته باشد.

بهر دگمی از دهفائی مشغول بودند، مفعولان را به سناست سکوت در این باره. همچنان بر نوبت آن ناکد می ورود. و هنوز ۱۵ روز از ارسال نامه نمایندگان نمی گذرد که نخست وزیر کمیتی در مورد اجرای بند "ج" اظهار می دارد: "انقلاب یک انقلاب مائستی نیست که زمین را مفعولان عمراطی انقلاب می دانند بلکه برای ما زمین یک وسیله است". (جمهوری اسلامی ۶۰/۲/۲۱). و به این ترتیب راجه شئی از دادن پاسخ صریح به مساله طفره می رود و موضوع را صورتی مطرح می سازد که کوبا مساله زمین، یک موضوع مائستی است که ربطی به وظائف "دولت" مکنی او ندارد.

اما به وجود یک قانون املاحات ارضی با اسما که آثار داشت مفعولان بزرگ مالکان را محفوظ داشتند و در سر کسبیده کل نظامی بی بدیهی که مفعولان برایش سناست سکوت در آمده است، مصادرت نمی کند. رژیم، تنها وقتی به عقب نشینی و انجام املاحات ارضی تن می دهد که تحت فشار بوده ای و دهفائی فرا ر گرفته باشد. بنا بر این دستا بی دهفائی دهفائی مطلقاً خود یعنی زمین، شورا و امکانات کشت و زبندی (که بند "ج" فقط بخشی از آن را شامل می شود) از طریق مبارزه برای انجام یک املاحات ارضی دموکراتیک امکان پذیر است. در این مورد شورا های ترکمن صحرا نمونه کوبا شی است از ظرفیت همکاری و حرکت های دسته جمعی بوده ای دهفائی در بین بردا املاحات ارضی دموکراتیک، تنها، تدایم، گسترش و تعمیق این مبارزات دهفائی که در بطن مبارزات بودای و در ارتباط مساله آن انجام یافته است. هیات حاکمه را تا حد و دی و ادا ربه عقب نشینی و رسمیت شناختن حقوق دهفائی نخواهد کرد.

اکنون رژیم با شکلاشی در زمینه مساله ارضی مواجه است. با متوقف شدن بند "ج" و "دال" (که تنها قسمت قانون املاحات ارضی است که محدودی حسی از خواست دهفائی را در خود دارد) ادامه

جدی پس حدود ۱۰۰ تن از نمایندگان مجلس طی نامه ای به آیت الله خمینی خواستار اجرای بند "ج" را فابوسی املاحات ارضی شدند. نمایندگان فابوسی خطاب به آیت الله خمینی نوشتند که "اکنون با توجه به سناست سکوت اکثریت روساها زمین مساصف به احرا: این طرح قانونی که هنوز هم بصورت خودیاتی است مستعدی است دستور اجرا، آرا ماصدق فرمائید". این اظهار و درخواست نمایندگان جهت اجرای بند "ج" در زمانی صورت می گیرد که موج نوبتی از مبارزات دهفائی برای یابودی زمینداران بزرگ، کسب زمین، تسکین شورا و بدست آوردن امکانات کشت و زبندی، در روساها با لاگرفته است. طبق گزارشهایی که از برخی روساها میرسد، و گاهی در روزنامه های صحیح و غیر صحیح انعکاس می یابد، دامنه این مبارزات به برخورد های قهرآمیز بین دهفائی از یک سو و عمال و حامیان حکومتی مالکین از سوی دیگر، گشیده شده است. بر این اساس است که پاره ای از هیات های ۷ نفره مسئول واگذاری زمین نیز نگارانی خود را از اینکه نتوانند جنبش های دهفائی را مهار کرده و حاکمیت رژیم را در روساها برقرار کنند و دهفائی را بصفت از قانون فرا خوانند، آرا زداشته اند.

رژیم در ابتدا، در شرایطی که جنبش های دهفائی با لاگرفته بود، برای خنثی کردن اقدامات انقلابی دهفائی و مقابله با نیروهای انقلابی و کمونیست به یک املاحات ارضی نیم بند و بوروکراتیک تن داد. اقدامات دهفائی در انجام املاحات ارضی دموکراتیک که بوسیله خودشان و از این صورت می گرفت، نه تنها مافع زمینداران بزرگ را از طریق مصادره بلاعوضی ارضی آنها بظرف انداخته بود، بلکه از این طریق حاکمیت رژیم را نیز به مخاطره می افکند. رژیم تحت این شرایط، برای اینکه حتی الممورد و گزند کمتری به مافع مالکین بزرگ وارد آید، برای اینکه حاکمیت قانون ضد انقلابی خود را در روساها برقرار کرده و مقدرات دهفائی را در درجه حتما ریکمرد و بصرای اینکه با دادن یک سری امتیازات جزئی، دهفائی را از ادامه راه انقلابی منصرف کرده و جنبش آنها را به مها ر کند. و برای اینکه زمینه های اتحاد و حرکت های مشترک دهفائی را از زمین ببرد، بنا یک عقب نشینی مشروط و موقتی به انجام املاحاتی نیم بند و از بالاتر داد.

بر اساس بند "ج" و "دال" قانون املاحات ارضی که بنا به شرایط فوق بصورت رسیده و واگذاری ارضی با (بند "ج" و "دال") را از زمین ببرد، زمین در اختیار دارتد، پیش بینی شد. بدین ترتیب حکومت می خواست، اولاً "خطر مصادره کل ارضی زمینداران بزرگ را که با آنها به

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

۱۴ خرداد، سالروز اعلام جمهوری گیلان ...

بقیه از صفحه ۱۳

و حمل و نقل و ... داد سخن میداد و همچنین اعلام نمود که در سیاست خارجی راه مستقلی را در پیش خواهد گرفت و موافقتنامه اسارت با روسیه ۱۹۱۹ انگلیس و ایران را ملغی و مردودتا میداد. با بد توجه داشت که بسیاری از این موارد اعلام شده در جهت ریشه زدایی بورژوازی وابسته ایران بود چرا که رجب و کلی منافع امپریالیزم میباید مثلثاً تشکیل ارتش واحد ملی و اصلاحات در فرهنگ (به معنی ایجاد زمینه های تحصیل دانشگاهی و دبیرستانی جهت پرورش نیروهای متخصص لازم) و اصلاحات در حمل و نقل (به معنی ایجاد شبکه حمل و نقل رسانی جهت تسریع و تسهیل صدور کارا لوغسارت مواد اولیه) و ... و بسیاری از آنها نیز فقط و فقط جهت قریب توجه ها به میان کشیده شده از جمله "استقلال در سیاست خارجی" اما بهر صورت شناخت غلط حزب کمونیست شوروی از موقعیت ایران نتواند و توازن نیروها منجر به تحلیل غلطی از وضعیت ایران گشت که با وجود بی فشاری نیروهای انقلابی داخلی چون حیدرخان و نمایندگان دیگر حزب کمونیست ایران چون "شرقی" و سلفا نیز از ده بر مواضع انقلابی (این به معنی درست بودن تمامی مواضع این انزاد نیست) تداوم یافت و در نهایت نیز دولت شوروی بر اساس این تحلیل اشتباه جنبش گیلان را به "مخالجه بسا دولت مرکزی" دعوت نمود.

چیزترین نماینده دولت شوروی در سابق خود در باره کشورهای خاور زمین میگوید "در ۱۲۲ اکتبر ۱۹۲۰ کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی ضمن تصویب قطعنامه ای اظهار داشت که انقلاب ایران هنوز با یک از مرحله انقلاب بورژوازیایی گذر کند. بدین سان بکوشش در جهت استقراری رژیم کمونیستی در ایران، با پای به گذاری دولت ملی شوروی میسر آید. آنگاه رگشده بی دریا بان داده اند. و همچنین کمینترن در سزهای مصوبه خون مینویسد "بریتانیا ی کبیر هنگامی که متوجه شد عناصر ملی در ایران زورمند شده اند در سال ۱۹۲۴ قیام محمد خزعل را که در اراضی وی موسسات شرکت نفت قرار داشت سازمان داد. این قیام با رسوائی های بی پایان یافت. در این جا بخوبی روشن است که چگونه حزب کمونیست شوروی و کمینترن حکومت بر سر کار آورده در ایران (یعنی رضا خان) را نماینده بورژوازی ملی ارزیابی می کنند و از این رو خواهان ارزیابی بی پایان یافتن "دولت ملی شوروی گیلان" و تداوم مرحله بورژوازی انقلاب میشوند و چگونه شورش شیخ خزعل را بعنوان

شبهت و به هموس کمونیستها را تبرایان و اعدام کرده و بدین صورت جنبش گیلان به شکست کشانیده شد.

بدین طریق میرزا کوچک خان که رهبری جنگلیها را به عهده داشت بخاطر تزلزلات و ناپیکیری اش در پیشبرد و تعمیق مبارزه، بخاطر معاشات بسا حکومت مرکزی و امپریالیستها، بخاطر حمایت ضمنی از منافع فتوودا گها و جلوگیری از اصلاحات ارضی دمگرا تیک و بخاطر ضربه مهلکی که با کشتن حیدرخان و سایر رهبران به جنبش وارد آورد - و تمامی این اعمال منتج از بیگانه طبقاتی او و جنبش جنگل بود - نقش تعیین کننده در شکست جنبش گیلان ایفا کرد.

قبل از آنکه به بررسی دیدگاهها و تحلیلها و اقدامات هر یک از جناحها و نیروهای جنبش گیلان بپردازیم به علت رابطه تنگاتنگ و نزدیک جنبش بسا دولت سوسیالیستی شوروی و به علت تمسای نزدیک رهبران حزب کمونیست ایران با انقلابیون و رهبران شوروی

بدین طریق میرزا کوچک خان که رهبری جنگلیها را به عهده داشت بخاطر تزلزلات و ناپیکیری اش در پیشبرد و تعمیق مبارزه، بخاطر معاشات بسا حکومت مرکزی و امپریالیستها، بخاطر حمایت ضمنی از منافع فتوودا الها و جلوگیری از اصلاحات ارضی دمگرا تیک و بخاطر ضربه مهلکی که با کشتن حیدرخان و سایر رهبران به جنبش وارد آورد - و تمامی این اعمال منتج از بیگانه طبقاتی او و جنبش جنگل بود - نقش تعیین کننده در شکست جنبش گیلان ایفا کرد.

و کمینترن لازم است به بررسی مختصری از شیوه برخورد شوروی و کمینترن به جنبش گیلان بپردازیم.

برخورد شوروی و کمینترن به جنبش گیلان:

با وجودیکه عملکرد شوروی در بدو تشکیل، در مورد تخلیه بدون چشم داشت مناطق تحت تسلط در ایران، کمک شایان توجهی به رشد جنبش گیلان نمود و زمینه مساعدی را برای قدرت گیری جبهه انقلاب فراهم ساخت اما تراهی اشتباه و تحلیل غلط حزب کمونیست شوروی و به تبع آن کمینترن از موقعیت ایران صدماتی قابل توجه به جنبش گیلان وارد آورد.

رضا خان در بدو بدست گیری قدرت به منظور قریب توجه های وسیع مردم و جلوگیری از رشد جنبش ضد امپریالیستی - دمگرا تیک اعلامیه عوام فریبانه ای صادر کرد که در آن از "مبارزه علیه اریستوکراسی و سرما به های خارجی" حکومت دمگراسی، کوشش برای بهبود وضع کارگران، تقسیم زمینهای دولتی میان دهقانان و کوم کردن سبزه مالگان، تشکیل ارتش واحد ملی، اصلاحات در فرهنگ و صنایع، تجارت

مبارزه امپریالیسم، تکلیس با دولت ملی مرکزی ارزیابی می نمایند. تمامی اینها در شرایطی است که حزب کمونیست ایران بدرستی نقش رضا خان را تحلیل میکند و در تراهی مصوبه خود میباید وظایفی که بر عهده رضا شاه واگذار شده بود عبارت بودند از: محور سرکوبی نهضت انقلابی که بیوسته در مملکت توسعه می یابد و بدرجه محکم نمودن نفوذ اقتصادی و سیاسی انگلیس یعنی عملاً اجرای قرارداد ۱۹۱۹. رضا خان از دوره میتوانست به این مقصد برسد، از یک طرف از راه تأسیس ایجاد "قشون ملی" و از طرف دیگر بطریق تظا هر داد شمی احساسات دولتی نسبت به اتحاد شوروی و حتی شرقی نماینده ایران در کمینترن در مورد تراهی مصوبه کمینترن میگوید: "این اظهارات تا درست است شیخ خزعل با نیروهای ملی ایران نبرد نکرد. این تنها مبارزه درونی طبقه زمیندار فتوودال بود. نیروهای ملی ایران استحکام نیافته اند. برعکس نیروهای ارتجاعی استحکام یافته اند. رضا شاه نماینده ارتجاع در ایران است و نماینده

اما نکته جالب اینجاست که "جنگلیها" برخلاف آن چیزی که امروزه جمهوری اسلامی سعی به تبلیغ آن دارد بهیچوجه به حکومت مذهبی معتقد نبوده اند و بطور کامل به تفکیک بورژوازی و مذهب ساز نیست معتقد بوده اند. در امر آنها "جنگلیها" میخوانیم: "۱۸ - انفکاک روحانیت از امور سیاسی و معاشی"

ناسیونالیسم پیشرو در ایران نیست. مساله ای که در اینجا قابل ذکر است اینست که مسلماً "تحلیل غلط حزب کمونیست شوروی و کمینترن از بیگانه طبقاتی رضا خان و در نتیجه اعمال فشار بر سران جنبش جهت سازش و مذاکره با حکومت مرکزی و همچنین عدم حمایت فعال از این جنبش در مقطع پس از روی کار آمدن رضا خان، در شکست جنبش نقش بازی نموده و تا شیرا تی نیز نهاده است. اما با بد توجه داشت که نقش شوروی بعنوان عاملی خارجی در مورد این جنبش طبقاتی ایران نمیتواند نقش تعیین کننده باشد و مسلماً "شکست جنبش گیلان بخاطر عدم وجود شرایط عینی و ذهنی لازم جهت تحقق و پیروزی آن بوده است

دیدگاه نیروها در جنبش گیلان:

جنبش گیلان از نظر طبقاتی شامل طیف وسیعی از اقشار و طبقات خلقی بوده این مساله بر زمینه عدم وجود رهبری پرولتاریا در جبهه متحدان نیروها باعث حرکات ناممکن و تزلزلات بسیار گشت. حرکت از نیروها خواهان اجرای برنامه خود بودند که کم توجه مشترکی با برنامه ساز نیروها داشت.

بقیه در صفحه ۱۵

با اتکاء به نیروی توده ها برای صلح دموکراتیک در کردستان بکوشیم



۱۴ خرداد، سالروز اعلام جمهوری گیلان ...

بقیه از صفحه ۱۴

حلقه های اساسی که مضمون انقلاب دمکراتیک را تشکیل میدهد دست نهاده است، استقلال، ملاحظات ارضی دمکراتیک سرفراری دموکراسی، نابودی ساختارنش و ...

علاوه بر تزلزلات و سازشکاریهای جناح میرزا و چپ زوی ها و آنا رشی گریهای جناح احسان الله خان عامل دیگری که در شکست جنبش گیلان نقش موثری ایفا نمود عدم توجه و بیگیری در جهت سراسری نمودن جنبش بود. با وجودیکه تمام جناحهای جنبش در ترزاها و مرا مناهای خود صحبت از "آبادی رژیم سلطنتی" و "آزاد کردن ایران" میرا شنیدند که به معنی سراسری نمودن جنبش است اما در عمل بر این مسأله کمترین بهانه نمیدهند با این توجه داشت جنبش گیلان با غیرتسهای نوده ای دیگر چون جنبش شیخ محمد خا با نی در شیراز و جنبش کلنل پسیان در خراسان و ... همراه بود که با توجه به موقعیت جغرافیائی و توده ای بودن این جنبش ها تماس و همکاری آنان با یکدیگر نمیتوانست نقش بسزائی در مقاومت و پیروزی جنبش ایفا کند. اما دید محدود خرده مالکی - خرده بورژوازی، ناسیونالیستی، حاکم بر این جنبش ها جلوی رشد و گسترش و سراسری شدن آنان را گرفت. تنها اقداماتی که در این مورد انجام گرفت فرستادن چند نماینده از سوی هر یک از رهبران برای تماس با دیگران بود که این عمل بهیچ صورت بیگیری نشد و کوچکترین نتایج عملی نیز در پی نداشت. این شکل از برخورد در عین حال نشانده عدم درک صحیح حزب کمونیست از ترزهای کمینترین میباشد. زیرا حزب با وجود عضویت در کمینترین و با وجود تا کیندا ت بسیار برگسترش و پیوند جنبش های خلقی، کمترین گام عملی موثری در این راه برنداشتند و فرستادن یک قاصدا کتفا نمود. بهر رو با این توجه داشت که تمام این انحرافات و تزلزلات بر زمینه عدم وجود رهبری پرولتاریائی برجانبش گیلان حاکم گشت. ما با گرامیداشت خاطره، تمامی شهدای جنبش گیلان، میکوشیم با اتکاء به تجارب تاریخی این جنبش و تمامی جنبشهای خلقی، با یکا رگیری دستا وردهای آن و با تجربه اندوزی و درک صحیح انحرافات و اشتباهات آن مبارزات خود را در راه تحقق آرمان طبقه کارگرو رهایی خلق از زیر سلطه امپریالیسم و سرمایه داری ارتداد و مبخشیم.

در این میان حزب کمونیست ایران پس از آنکه گرایش انحرافی خود را در سال ۱۳۹۸ (۱۹۲۰) از آن انشعبا کرده تحلیل از اوضاع ایران و طرح شعارها و سرانجامی خود برداشت. آنطور که از مصوبات کنگره دوم حزب (در سال ۱۹۲۲) ابداست تحلیل حزب در رئیس کلی خود مستقیماً بر اصول درستی بوده است. این تحلیل در موصگگیری ها و شیوه حرکت حیدرخان نیز تا تیرسزائی داشته است. حزب در "ترزهای مصوب کنگره دوم" خود به رستی ایران را بصورت کشوری نیمه کلنی که هنوز رسماً "ظواهر" استقلال خود را حفظ کرده و در تحت تصرف دول معظمی سرمایه داری درنا مده است به ترمیم می کند و با برخوردی دقیق به علل کودتای رضا خان مینویسد "ایران امروزه بطور آشکارا بر دو صفت متخاصم تقسیم گردیده است: در یک طرف ملاکین یعنی طبقه حاکمه و طرفداران آنها و با بمبارت صحیح تر آنها می که در عملیات با ملاکین شریک هستند (قسمت فوقانی بورژوازی) و در طرف دیگر کارگران، دهقانین، صنعتگران بورژوازی کوچک و قسمت خیلی زیاده بورژوازی متوسط میباشد. و سپس در "ترزهای مصوب کنگره دوم حزب کمونیست ایران" میخوانیم "مهمترین شعارهای حزب کمونیست ایران در این دوره باید نا بود کردن رژیم سلطنت و استقرار جمهوری انقلابی باشد. جمهوری انقلابی با وسایل لازم اجرای وظائف زیر راعده دار شده.

الف: حفظ استقلال و تمامیت ایران در مقابل دول امپریالیست ...
ب: محو نا بود کردن قطعی بقایای فئودالیسم و تقسیم زمینهای اربابی و غیره بین دهقانین
د: استقرار کامل آزادی و دمکراسی و همچنین در پی گرام (برنامه) عملیات حزب کمونیست ایران میخوانیم "محو کامل بقایای فئودالیسم و در مرحله اول النای اصول ملاکی ... به هم زدن قشون خالیه ... می بینیم که چگونه حزب کمونیست ایران بدرستی بر

میرزا کوچک خان که ما بسده ماضی روز واری ملی (عمداً "بحاری) و مالکان میانه خان بود ما روزه را فقط در خلاصی از سلطنت انگلیس میدید. او در این راه حتی سعی داشت حمایت فئودالها را نیز بخود جلب نماید و از این رو در مفاصل ملاحظات ارضی دمکراتیک و لغو مالکیت فئودالی ایستادگی میکرد. در عین حال میرزا بیعت و حش از او جگیری جنبش پرولتاری و بدست گیری قدرت ارضی کمونیستها در مفاطم مختلفی به سازش و معاشات با حکومت مرکزی و حتی امپریالیسم انگلیس کشیده شد. در نهایت نیز با کشتار حیدرخان عموا و غلی و سایر رهبران جنبش ضربه ای کاری بر پیکر جنبش گیلان وارد آورد.

بعضان مثال در مرا مناه جنگلیها آمده است "مالکیت ارضی با ملاحظه تا مین معیشت عمومی تا حدی تصدیق می شود که حاصل آن عاید تولیدکننده شود" یا "منوع بودن انحصار و احتکار اوراق و سرمایه" و ... بیخوبی روشن است که هدف جنگلیها نه مبارزه با فئودالیسم بلکه تعدیل ستم طبقاتی بوده است. و از این رو است که نه تنها برای ملاحظات ارضی دمکراتیک بلکه طرحی برای تعدیل مالکیت فئودالیها، نه طرحی جهت نابودی مالکیت بزرگ فئودالی و سرمایه داری بلکه طرحی جهت جلوگیری از احتکار و تعدیل ثروتها ارائه میدهند.

اما نکته جالب اینجاست که "جنگلیها" برخلاف آن چیزی که امروزه جمهوری اسلامی سعی به تبلیغ آن دارد بهیچوجه به حکومت مذهبی معتقد نبوده اند و بطور کامل به تفکیک بورژوازی مذهب از سیاست معتقد نبوده اند. در مرا مناه "جنگلیها" میخوانیم: "۱۸- انفکاک روحانیت از موریاسی و معاشی" احسان الله خان زوجهائی از حزب کمونیست عمدتاً "نماینده مفاطم خرده بورژوازی و زحمتکشان فقیر شه خرده بودند. اینان نیز با ارائه سیاستهای چپ روانه ضربه ای بر پیکر جنبش وارد آوردند. از جمله در مقطع تشکیل "کمیته ملی آزادی ایران" با اجرای سیاستهای غلطی چون تحویل اجباری برنج، مماندها مهای روستائیان، افزایش شدیدا مالیاتها و ... دولت خود را حمایت توده های وسیع دهقانی محروم ساخت و در عین حال با لشکرکشی های عجولانه نیروهای بسیاری را به تنهایی کشتید.

بسیار بقه توصیف شده است. طبق گزارش وزارت کار بریتانیا طی ماه پیش ۲۲۱۹۱ نفر به تعداد بیکاران افزوده شده است. در بستر جنین بحران ژرفی است که پرولتاریای جهان یعنی نیروئی که دشواریهای بحران دمکراتیک فسر و فلاکت ناشی از تورم و بیکاری را بر دوش می کشد باید از راه کسب آگاهی و دانش طبقاتی و با طرد اندیشه های خائنه سوسیالی فرمیستهای مشاطه گر سرمایه داری به تشکل انقلابی - طبقاتی خود دست یابد و غرضه های نویینی را در بیکارجهانی کاروسرما به یکشاید.

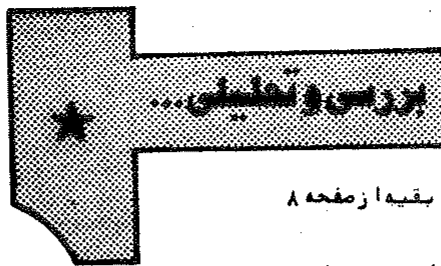
آمریکائی بمدت شش ماه از کار بیکار شدند و زمان متوسط بیکاری در این کشور ۱۰/۸ هفته در سال ۱۹۲۹ به ۱۳/۵ هفته در سال ۱۹۸۰ افزایش یافت. در انگلستان نیز همچنانکه در شماره های پیش همین مجله را اشاره کرده ایم بیکاری ابعاد فوق العاده گسترده ای یافته و نظام امپریالیستی با مشکلات جدی روبرو شده است. تعداد بیکاران انگلیس طی ۱۲ ماه گذشته بی درستی افزایش داشته بطوری که طبق آمار امپریالیستها در حال حاضر به رقم ۲/۵ میلیون تقریبی ۱۰/۶٪ کل نیروی کار این کشور میرسد رقمی که در ۵۰ سال گذشته

راهپیمائی بیکاران و ...
بقیه از صفحه ۵
برای نمونه با اضا فاه کنیم که طی بحران عظیم سال ۱۹۲۹-۳۲ ارتش ذخیره کار در آمریکا ۱/۵ میلیون به ۱۲/۸ میلیون با ۳/۲٪ به ۲۴/۹٪ افزایش یافت. در سال ۱۹۳۹ آمریکا ۹/۵ میلیون بیکار داشت و از آن پس با استثنای ایهای ۶۰ - ۱۹۵۰ که رشد افتضالی با شتاب همراه بود و سطح بیکاری کاهش نشان میداد. بیکاری همواره سیر صعودی طی کرد نامت بطوریکه تنها در سال ۱۹۸۰ ۱/۵ میلیون



وسیعاً "جرمان" داشت و کارگران غالباً در این مبارزات پیروزی شوند. در تهران مبارزات گسترده‌ای حول سودویزه در کارخانجات شکل گرفت. اعتصابات گسترده در اغلب کارخانجات جریان داشت که در مقایسه با سال گذشته بسی سابقه بود. کارگران با اشکال متنوعی مبارزاتشان را پیش می‌بردند. برخی از کارخانجات با جلوگیری از خروج تولید نتوانستند به پیروزی برسند. اعتصابات گسترده در کارخانجات پارس الکتریک، لندور، سایپا، پارس متال، جم، تولی‌پرس، تولید دارو، کارخانجات زاگرس، فرش پارس، گوشه‌ها، می‌مارزات طبقه کارگر ایران است. در کارخانجات پارس الکتریک اعتصاب شش روزه کارگران، مدیران را به عقب نشینی واداشت. کارگران موفق شدند بخشی از سودویزه را بگیرند. در کارخانجات سایپا کارگران با وجود اعتصاب پیروزی موفق‌گامی نداشتند. در کارخانجات پارس متال کارگران در دو نوبت دست به اعتصاب زده و به پیروزی رسیدند. در لندور اعتصاب کارگران به پیروزی انجامید. اعتصاب کارگران جم موفقیتی نداشت و بلاخره کارگران مبارزاتی پارس بعد از یک هفته جلوگیری از خروج تولید، اعتصاب دو هفته‌ای را آغاز می‌کنند که با پیروزی آنها پایان می‌رسد.

در کارخانجات ترانس پیک، با طری سازی، فیلور، بلالستی را کارگران با جلوگیری از خروج تولید با موفقیت به بخشی با تمام سودویزه دست می‌بندند. کارگران فیلور در یک مبارزه طولانی پیگیریشان را بنمایش می‌گذارند. مبارزات کارگران در گروه صنعتی زامباد، ایران ترانسفو، دغاشیات، ارج، بنزخا، و جزال موتورز، توانیر برق، جیت تهران و شهرک اکباتان با اشکال متنوعی از اعتراضات جمعی تا تشکیل مجمع عمومی، از کم کاری تا تهدید به اعتصاب بی‌مقصد می‌بندند. کارخانجات کارگران موفق می‌شوند دو ماه دیگر سودویزه را در یافت دارند. در کارخانجات سیمان، بوتستان کارگران با هدایت شورا موفق می‌شوند سودویزه را از چنگ دولت سرما به داران در آورند. آنها علیه اخراج مبارزه پیروز می‌مانند. اگر پیش می‌برند. نمونه‌های برجسته مبارزات کارگران در این مقطع، مبارزات کارگران شرکت واحد است که برای دریافت عیدی و پاداش به اعتصاب انجامید. رژیم جمهوری اسلامی این اعتصاب را بنحوردیلانهای درهم شکست. اعتصابات گسترده‌ای نیز در گروه صنعتی کفش ملی که درواچه‌های



تاف - یونایتد، گابور، درخشان و هوفمن شکل گرفت که در او خراسان به تظاهرات چند هزار نفری کارگران در - کارخانه منتج شد، و سرانجام در نیمه شب بوسیله پاسداران سرما به درهم شکسته شد.

مبارزات کارگران شرکت واحد و کفش ملی که موفق به کسب حمایت توده‌های کارگرو زحمتکشان گردیدند. تجلی بارزی از رشد روزافزون جنبش کارگری در این مرحله است. در این دوره نقش سرکوب انجمنهای اسلامی در مبارزات کارگران بسیار برجسته است. انجمن‌ها علاوه بر این، در این دوره بر سر کسب قدرت با مدیران لیبرال کارخانجات شدت درگیری می‌شوند. ضمن آنکه اتحاد عمل استوار خود را با آنها برای درهم شکستن مبارزات کارگران، اخراج کارگران پیشرو و انقلابی، تشدید جوسد دمکراتیک در کارخانجات حفظ کردند، اما تضاد انجمن اسلامی با مدیران لیبرال که انعکاس تضاد درگیری‌های شدید دو جناح فدا انقلابی حاکم، در کارخانجات است، در برخی از کارخانجات به تمویض مدیران لیبرال و جایگزینی مدیران مکتبی درون کارخانجات منتج گشت. گروه صنعتی کفش ملی نمونه‌ای از این نوع است. در همین راستا شورا های انقلابی در کارخانجات در روند مبارزه به نظارت و دخالت کارگری در امور کارخانه شدت بیشتری می‌بخشد، شورای گروه صنعتی کفش ملی، شورای شرکت صنعتی توفان، یوتان نمونه‌ها می‌باشند. مبارزات این شوراهاست. رشد مبارزات کارگران در این دوره نیز به سازمانیابی و شکل رادیکال کارگران تقویت می‌گردد. بهمین جهت است که مبارزه بر سر سودویزه به چارزده در جهت ایجاد شوراهای انقلابی منجر می‌شود. مبارزات کارگران پارس الکتریک، سایپا، اسکوشین، دارویی، با طری سازی، در زمهره، اینگونه مبارزات است.

با قاطعیت می‌توان گفت جنگ در این دوره در میان کارگران بفراموشی سپرده شده است. انعکاس تضادهای درون حاکمیت بیش از هر دوره دیگر

در کارخانه‌ها مورد بحث کارگران است. تنفرا از حزب جمهوری اسلامی بیش از هر زمان کارگران را در بر میگیرد. نحوه برخوردی صدر به حزب جمهوری اسلامی سبب افزایش یا کاهش نوبت کارگران نسبت به وی می‌گردد. ضمن آنکه کارگران بیشتری نوبت را نسبت به او در میان می‌آورد و کمتر در آن درند بجزات میتوان گفت بیش از هر زمان شمار روزه‌نمودهای کارگران پیروز در میان توده کارگران (از جمله سودویزه و کمیسیون تحقیق و...) مادیت یافته و بکار گرفته می‌شود. گرایش به سمت نیروهای انقلابی همچنان رشد می‌یابد.

اپورتونیزم در این دوره بمنظور خدمت به بورژوازی می‌گوشد. بنا بر نامه شده‌ها سرپوش نهاده در واقع به گونه‌ای ترمزی در مقابل عمل مستقیم پرولتاریا می‌باشند. آنچه در این دوره برجسته بنظر می‌رسد اینست که مبارزات خودبخودی کارگران حتی از اندازه فعلی شوراها و چشمگیری برخوردار نیستند. نیز فراتر می‌رود. در این مبارزات روح جنگنده، اشتیاق و نظم پرولتری در توده‌های کارگران افزایش می‌یابد. در برخی موارد آنها قطعی ترین و عمده ترین خواست خود را با انتخاب بهترین موقع مبارزه و مقاومت با شورشوق به پیش می‌برند. تداوم اعتصابات و افزایش مدت زمان مبارزه از ویژگی‌های مبارزات این دوره است. در این مبارزات کارگران بیش از پیش به درک آگاهانه این مطلب می‌رسند که تضادی اشتی نا پذیر بین منافع آنان و منافع طبقه سرمایه دار و دولتشان وجود دارد.

خلاصه کنیم: عمومی ترین خواست کارگران در این مقطع سودویزه، عیدی و پاداش و اجرای طرح طبقه بندی مشاغل است. از سوی دیگر انتخبات مجدد شورا، تشکیل شورا و جلوگیری از اخراج، مبارزه علیه جوخفان و سرکوب جنبه دیگر مبارزات کارگران می‌باشد. شکل عمده مبارزه در این مقطع نیز اعتصاب است که با شرکت فعالانه توده کارگران شکل می‌گیرد. کارگران بمیزان زیادی نسبت به گذشته تا کتیک جلوگیری از خروج تولید را بکار می‌گیرند. در این دوره سرکوب مستقیم پاسداران بیش از هر دوره‌ای در پاسخ به خواسته‌های کارگران بیشتر می‌شود. بهمین دلیل مقابله جوشی و مبارزه علیه ارگانهای سرکوب شدت می‌یابد.

بقیه از صفحه ۲

اضافه نکردن حداقل دستمزد...

افزوده میشود... والسته این مسئله کمکی شایسته مدیران میکنند تا اگر کارگری خوب کار کرد، بتواند از او قدر دانند. (همانجا) بدین ترتیب است که می‌بینیم رژیم جمهوری اسلامی تنها به کاهش واقعی دستمزد کارگران اکتفا نکرده و قصد دارد با این وضع هر چه بیشتر سبب استهای

فدکا رگریش را پیش برد. آنها میکوشند با دادن مقدار ناچیزی پول بر اساس "لیاقت و شایستگی" طبق معیار سرمایه داران که چیزی جز نظم و حرف شنوی و اطاعت... غیره نیست، کارگران را از مبارزه با زداشته و هر چه بیشتر بر استعمار آنان بیافزایند. قصد دارند با افزودن پول ناچیزی به دستمزد برخی از کارگران تولید را افزایش دهند. میخواهند دست مدیران را با زبگذا رند که با استفاده از این قانون به تعدادی از کارگران وابسته به خود مزد ناچیزی برای پیشبرد سبب استهای



شکست «رفراندم» اعلام نشده حزب

نیمه اول صفحه ۱

سی‌صد و بیست و یک نفر بودند. از آنجا که کمیته نیروهای مبارز، شرکت کننده در این راهپیمایی منتهای نیروئی است که رژیم جمهوری اسلامی با استفاده از تمام امکانات خود و حمایت سوسال خیانت پشیمان نوانست بسیج کند، از این رو از بسیاری این حرکت، کمیته نیروهای شرکت کننده در آن و ترکیب جمعیت تا حدودی میتوان ندیا بگاه توده‌های رژیم و میزان توهانات توده‌ها را نسبت به هیئت حاکمه بویژه نسبت به جناح حزب جمهوری اسلامی نشان دهد.

آنچه که در راهپیمایی این روز چشم گیر بود، و در نخستین برخورد جلب نظر هر ناظر صحنه‌ای را می‌کرد عدم استقبال توده‌ها از این حرکت بود. دیگران آن - توده‌هایی که پس از اعلام هر راهپیمایی رژیم و فتوای آیت‌الله خمینی سبیل آسا بخیا با آنها می‌ریختند و با شور و هیجان زاندا الوصفی بهشتیانی خود را از رژیم جمهوری اسلامی اعلام می‌کردند خبری نبود. در تهران، مناطق جنوبی که اکثریت عظیم محنتکشان را در خود جای داده است آنچنان آرام و زندگی‌روال عادی خود را داشت که گویی هیچ مسئله‌نازهای در میان نیست و این روز نیز همانند روزهای دیگر است. تعداد نیروهای که از مناطق جنوب شهر در این راهپیمایی شرکت کردند، بسیار ریسها را ندک و آن تعداد دلفیلی که شرکت کرده بودند، عمدتاً سا زمان یافته‌ها و بسته به حزب بودند. در مناطق غربی تهران نیز تعداد شرکت کنندگان در راهپیمایی آنچنان کاهش یافته بود که تاکنون بی سابقه بود. تنها جایی که میتوان گفت تا حدودی احساس می‌شد که توده‌ها گره بسیار محدود اما بهرحال محسوس در راهپیمایی شرکت کردند مناطق شرقی بویژه حداقل میدان خراسان و خیابان غیائی تا میدان شهدا بود. در اینجا مردم در دسته‌های ۲۰۰ تا ۳۰۰ نفری در حال راهپیمایی بودند. در مجموع فقدان علاقه توده‌ها به راهپیمایی رژیم و عدم شرکت گسترده آنها در این حرکت که ملا "چشم‌گیر بود و این نشان می‌داد که تا چه حد توده‌های مردم اعتماد خود را به رژیم حاکم از دست داده‌اند. ترکیب جمعیت نیز خوبی این مسئله را نشان می‌داد. کارگران بهیچوجه علاقه‌ای به شرکت در این راهپیمایی از خود نشان نداده بودند. تعداد آنها در این راهپیمایی بسیار محدود بود. این امر که تا حدودی بسیار نگران‌کننده است. از شرایط نسبت به رژیم موجود است. از شرایط سخت و دشوار زندگی آنها و فشارهای رژیم جمهوری اسلامی به این طبقه وارد می‌آوردن می‌گردد. اوضاع و احوال و خاست با اراقتصادی و فشار آن بردوش توده‌ها بیش از همه بر زندگی کارگران تاثیر گذارده است و آنها را بیش از پیش از هیئت حاکمه دور نموده است. اکثر

نیروهای شرکت کننده را از سایر ترکیب طبقاتی نیروهای وابسته به جرده بورژوازی سنتی تشکیل می‌داد که بیشتر آنها را با این شرقی و مرکزی تهران در راهپیمایی شرکت کرده بودند و تا حدودی نیز افراد وابسته به خرده بورژوازی نوین که اکثر آنها طرفداران راست اکثریت و حزب توده بودند و از مناطق شمال و غرب تهران در راهپیمایی شرکت کرده بودند، تشکیل می‌داد. آنچه در این روز بطور عمده چشم گیر بود و جلب نظر می‌کرد، سا زمان نیافتگی نیروهای شرکت کننده و نه توده‌های بی‌سازمان نیست که خود بخود تاکنون در هر راهپیمایی شرکت می‌کردند. این نیروهای سازمان نیافته کسانی را تشکیل میدادند که اساساً "حول" مسا دسا زمان ندی شده و با در دستگاریها می‌نظامی - بوروکراتیک وابسته به حزب قرار دارند. تعداد زیادی از نیروها را پاسداران، افراد عضو بسیج و فعالین انجمن‌های اسلامی و دیگر نهادهای وابسته به حزب همراه با خا توده‌ها نشان تشکیل مسمی‌داد. راهپیمایی ۱۵ خرداد اما سال نشان داد که اگر هنوز بتوان پایگاهی در میان توده‌ها برای رژیم حاکم جستجو کرد، در میان خرده بورژوازی سنتی است و تازده این میزان پایگاه و حمایت توده‌ای - سیاسی رضیف است. و برخلاف ادعا یلند - گویهای رژیم که تعداد راهپیمایان را در تهران ۲ میلیون نفر اعلام کردند و این دروغ آشکار همه را بخنده و ادا شده بود، بجزحمت میتوان جمعیت را ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار نفر برآورد کرد. در شهرستان نیز وضع حزب و متحدین آن بمراتب وخیم تر از این بود. در مجموع میتوان گفت که در سراسر ایران تعداد راهپیمایان به کمتر از نیمی از رقم ۱۰ میلیون اعلام شده از سوی رژیم یعنی حدود ۴ میلیون نفر میرسد. اکنون میتوان از عدم استقبال و شرکت فعال توده‌ها در این راهپیمایی نتیجه گرفت که اینک بسیاری از توده‌های مردم که شاید بتوان گفت اکثریت توده‌ها را تشکیل میدهند، بیش از پیش اعتماد خود را نسبت به حاکمیت بویژه جناح مسلط آن از دست داده‌اند. گرچه بسیاری از کماتیکه در این حرکت شرکت نداشتند، طرفداران بنی‌صدر بودند، اما باید در نظر داشت که این بخش جمعیت نیز نه طرفداران وضعیت موجود، بلکه طرفداران بنی‌صدری هستند که در موضوع اوزیسیون قرار گرفته، و خود را مخالف وضعیت موجود نشان می‌دهند و وعده رفاه و آزادی بدهنده می‌دهند.

بهرحال این شکست حتی برای گردانندگان مراسم نیز روشن شد، زیرا آنها که در راهپیمایی شعارها نشان مستقما متوجه بنی‌صدر بود شعارها را تکرار می‌کردند و بر پلاکاردها نوشته بودند که

دو تا کتیک در بر خورد...

بقیه از صفحه ۲۰

گویند. از شکست انقلاب سخن می‌گویند، اما شعارها و انقلابی مربوط به جنبش دهقانی، شعار دفاع از مبارزات خلق کرده ترکمن، شعار خودمختاری و شور را مطرح می‌کنند. اینها نباید نمیدانند که رابطه شکست انقلاب با تکتیکها و طرح شعارها در چیست یا میداندند، اما تا قضات و اینها مات تئوریک آنها و تزلزلشان گاه آنها را با این سوگنا ه بسوی دیگر پرتاب می‌کند. راه سومی وجود ندارد. ما نمی‌توانیم خودود دیگران را فریب دهیم - با باید پذیرفت که انقلاب نیمه‌کاره باقی مانده، بنا بر این باید در تدارک اشکال کاملاً انقلابی جنبش بود، شعارها و انقلابی را بیگیرانه مطرح کرد و تا کتیک تعرضی را برگزید و در راه انقلاب و تکمیل آن کار برداشت، یا باید پذیرفت که انقلاب دچار شکست قطعی شده، برگزید سیاسی‌المنه طولانی بر جنبش حاکم شده است، از این رو باید شعارهای انقلابی و تدارک فوری برای اشکال عالی - تر جنبش را بکنار نهاد، تا کتیک عقب نشینی و شیوه مبارزه فانونی را برگزید و در انطباق با این شیوه مبارزه برگزید. این درسی است که لنین به ما می‌آموزد و کاملاً با شرایط کنونی ما منطبق است. موضع ما نیز روشن است، ما راه تداوم - انقلاب راه تکمیل آن را برگزیده ایم. شعارها و انقلابی را طرح می‌کنیم و راستای فعالیت ما در این مسیر است، ما تا کتیک تعرضی را برگزیده ایم.

مضمون آن چنین بود "اینست رفرا ند م مردم" پس از راهپیمایی سکوت اختیار کردند و بطور ضمنی به شکست خود اعتراف کردند. درسی که ما از این مراسم راهپیمایی روز ۱۵ خرداد باید بیاموزیم اینست که توده‌ها حقیقتاً "از وعده‌های سراسر با دروغ و نفرت انگیز سران جمهوری اسلامی خسته شده‌اند، آنها در تنگنای فکری و بدبختی، گران و بیگانه‌تر تجربه روزمره خود در یافته‌اند و با گذشت هر روز بیشتر در می‌یابند که جمهوری اسلامی، جمهوری خلق، جمهوری توده‌ها، جمهوری پاسداران، آنها و جمهوری اعمال اراده آنها نیست. توده‌ها بی می‌برند که جمهوری اسلامی آن جمهوری نیست که آنها در پی بنای آن - بودند، این جمهوری، جمهوری سرما به داری ریاکاران، دروغ‌پردازان، عوام‌فریبان، غارتگران و جیا ولگران است. این جمهوری نمیتواند پاسخگوی نیازها و خواسته‌های توده‌های محنتکش میهن ما باشد. پس باید بیش از همیشه بر روی نارضایتی توده‌ها از رژیم موجود تکیه کرد و راه‌های عملی برای کنار گذاشتن این نارضایتی عمومی را بسوی تکمیل انقلاب ارائه داد.

تور، شکنجه، زندان به نفع غارتگران، آزادی سیاسی، شورای انقلابی، به نفع زحمتکشان

خبرهایی از جنبش مقاومت خلق کرد

خبرنامه، نشریه خبری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - بوکان منتشر شد. رفقای بوکان در اولین شماره نشریه که تا ریخ چهارم خرداد در آرد در مورد ضرورت انتشار این خبرنامه میگویند:

"انتشار روانعکاسی وسیع اخبار جنبش مقاومت خلق کرد، یکی از وظایف میبرم نیروهای انقلابی میباشد تا از این طریق سایر خلقهای میهنمان در جریان مشکلات، دستاوردها و پیروزیهای جنبش مقاومت قرار گرفته و پیوند مبارزاتی تودههای سراروطنمان علیه امپریالیسم و بیگانه داخلی اش مستحکم تر گردد. لذا بدلیل

دوری مسافت و مشکلاتی که اسارسر و زنده اخبار در نشریه "کار" ارگان مرکزی سازمان در بر دارد، تصمیم گرفتیم با انتشار خبرنامه بوکان بتوانیم گامی در جهت انعکاس سریع و زنده اخبار در سطح منطقه برداریم.

اولین شماره این خبرنامه، حاوی خبر چند درگیری مستمرگان قهرمان جنبش مقاومت خلق کرد، مقاله ای با عنوان "درسهائی که از مبارزان زندان دله و باید آموخت، ندا متناهی خاشین، گزارشی از اردوگاه بناهندگان عراق در جرم و نیز برخورد کوتاهی با دستگیری سعید

بقیه در صفحه ۱۹

فرماندهان ارتش: پرسنل انقلابی از ارتش اخراج! شورای نگهبان: استخدام کارشناس (مستشار) خارجی آزاد!

با آغاز جنگ ارتجاعی میان دولتهای عراق و ایران سازمان ما و دیگر سازمانهای انقلابی تا کنون کرده اند که یکی از اهداف بورژوازی از گسترش دامنه این جنگ خانمانوز عبارت است از بازسازی و نفیوت ارتش و سایر نیروهای سرکوبگر رژیم. امروز حتمتگشان میهن ما شاهدند که حاکمیت چگونه به بهانه دفاع از میهن سیل سلاحهای گوناگون امپریالیستی را بقیقت فقر روز افزون خلق و غارت ثروت های ملی به نفع امپریالیستها جاری کرده است.

نیروهای انقلابی بارها به خلق قهرمان ایران در باره اینکه رژیم ارتجاعی برای بکار انداختن این سلاحها و بازسازی ارتش متخصصین و مستشاران نظامی خارجی را دوباره برای خدمت در ارتش دعوت خواهد کرد هشدار داده اند. از جمله اخیراً "هفته نامه مجاهد" نیز با انتشار رسدنی این موضوع را بار دیگر تکرار کرده است. در سند مذکور که تا ریخ ۹/۱۲/۵۹ صادر شده است شورای نگهبان با مصلاح قانون اساسی با استناد به ماده ۵۸ قانون دست بخت مجلس خبرگان

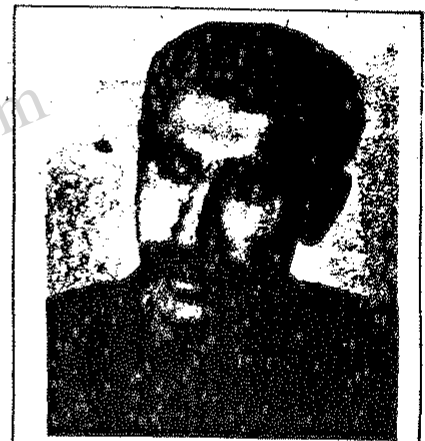
بقیه در صفحه ۱۹

گلوه؛ پاسخ رژیم جمهوری اسلامی به طالبین کار، مسکن، آزادی

روز اول خرداد، شخمی بنام ناصر محمد علی زاده محمدی، از جنگ زدگان آبادان که برای دریافت کمک مالی و گرفتن شغل به کمیته مرکزی مراجعه کرده بود، با تلک آنلحه نگهبان کمیته کشته منود و وقتی شاهد ماجرا را ما موریلین به جلو کمیته میرسد، ما موریلین انگار که هیچ اتفاقی نیفتاده، مشغول شستن خون مقتول از روی زمین بودند.

بقیه در صفحه ۱۹

روزگار: یک معلم انقلابی در قزوین



با سداران سرما به بار دیگر دست به جنایتی علیه نیروهای انقلابی زدند و رفیق فدائی، هوشنگ حنیفی را ترور کردند. رفیق هوشنگ حنیفی در قزوین معلم بود و بین مردم زنفوذ و محبوبیت بسیاری برخوردار بود. روز هفدهم اردیبهشت با موضوعیکلت در یک جاده روستای سی حرکت میگرد که با سداران اقتصاد با سداران که در آنجا منتظرش بودند، او را ربودند و با خود به محل سیاه با سداران قروه بردند، آنشب او را مورد شکنجه و ضرب و جرح قرار میدهند و صبح در همان جاده روستائی که دستگیرش کرده بودند، او را به شهادت میرسانند. با رسیدن خبر به خانواده اش، جمعیتی حدود دوهزار نفر در تشییع جنازه شرکت میکنند، جمعیت هنگامی که در جلوسالخانه جمع شده بود با اعتراض و شعار دادن نفرت خود را از اعمال با سداران نشان میداد.

با در رفیق هوشنگ حنیفی را که در راه - آرمان طبقه کارگر به شهادت رسید گرامی میه آریم

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی - انقلابی در رژیم حاکم زندانیان آریند!

عده ای از زندانیان کمونیست زندان کارون اهواز، در اطلاعیه ای که در تاریخ ۱۲۴ اردیبهشت داده اند ضمن اعلام اعتصاب غذا، خواسته های خود را به شرح زیر اعلام نموده اند:

- ۱- رفع بلاتکلیفی و رسیدگی به پرونده ها
- ۲- جلوگیری از ضرب و شتم زندانیان توسط زندانیان
- ۳- علاقات حضوری، ۴- ورود کتابهایی که در باز ممنوع نیست به زندان، ۵- رسیدگی به وضع درمانی بهداشتی و غذایی زندانیان.

ما ضمن حمایت از خواسته های برحق این زندانیان - که خواست اکثر زندانیان انقلابی ایران است - از همه مردم آگاه و مبارزمیهنمان و نیروهای انقلابی میخواستیم که ضمن محکوم کردن سیاستهای سرکوبگرانه رژیم و تلاش برای آزادی زندانیان سیاسی - انقلابی ایران از خواسته های زندانیان سیاسی - انقلابی ایران دفاع کنند و سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی را محکوم نمایند

رژیم جمهوری اسلامی در حالیکه بی سرما نه وجود شکنجه در زندانیان ایران را انکار میکند، برای خرد کردن روحیه مقاومت و مورزمنده زندانیان سیاسی - انقلابی به انواع و اقسام شکنجه های جسمی و روحی می پردازد. یکی از شکنجه های رژیم در پیش نبودن نیت پلید است که زندانیان انقلابی را در کتار و اکیها و کودتا جیها و یا در کتار رزدان، و لنگرها، معتادین، فواحش و دیگر قربانیان نظام سرما یه داری محبوس میکنند. بلاتکلیفی، کتک زدن، ملاقات ندادن و جلوگیری از ورود پاره ای از کتابها، زدیکرفشارها و تضيقاتی است که نسبت به زندانیان انقلابی اعمال میگرد. جمهوری اسلامی در حالی این تنگناها را برای زندانیان فراهم میکند که خود در زشای انقلابیون زندانیان ایرلند اشک تمساح میریزد، اما بدیهی است که مبارزین زندانیان در برابر این سرکوبگریها ساکت ننشسته، مبارزات خود را به اشکال مختلف ادامه میدهند. از جمله در اعتراض به این اعمال ضد انقلابی رژیم

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر